مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث حدیث شیعه

دفتر سیزدهم

به کوشش

مهدی مهریزی علی صدرایی خویی

بسم الله تعالی

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ - ،گردآورنده.
میراث حدیث شیعه: دفتر سیزدهم / به کوشش مهدی مهریزی و علی صدرایی خویی. - قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۴.
۵۹۷ ص.
ISBN: 964 - 7489 - 76 - 5 ۳۰۰۰۰ ریال
چاپ اول: ۱۳۸۴.
کتاب‌نامه به صورت زیرنویس.
۱. احادیث شیعه - مجموعه‌ها. ۲. حدیث - علم الرجال. الف. صدرایی خویی، علی، ۱۳۴۲ - ،گردآورندهٔ همکار. ب. عنوان.
۹ م ۹ م / BP ۱۴۱ ۲۹۷/۲۱۸

میراث حدیث شیعه / ۱۳

به کوشش: مهدی مهریزی و علی صدرایی خویی

تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث

امور اجرایی: مهدی سلیمانی آشتیانی

ویراستار: قاسم شیر جعفری

صفحه‌آرایی: سیدعلی موسوی‌کیا

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰۰ تومان

سازمان چاپ و نشر

قم، خیابان معلم، نبش کوچه‌ی ۱۲، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۷۷۴۰۵۲۳ ۰۲۵۱ / فاکس: ۷۷۴۰۵۷۱ ۰۲۵۱ / ص.پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۷۷۴۰۵۴۵ ۰۲۵۱

فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان ارم): ۷۷۴۱۶۵۰ ۰۲۵۱

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، صحن کاشانی): ۵۹۵۰۹۲۱ داخلی ۴۹۴

http://www.hadith.net

hadith@hadith.net

معرفی نسخه

الشفا في أخبار آل المصطفىعليهم السلام

محمّد رضا بن عبدالمطلب تبريزی (۱۲۰۸ق)

معرّفی : علی صدرایی خویی

الشفا في أخبار آل المصطفى عليهم السلام

محمد رضا بن عبد المطلب تبریزی، قاضی عسکر (۱۲۰۸ ق)

معرفی: علی صدرایی خویی

درآمد

با رسمیت یافتن مذهب شیعه در عصر صفویه، زمینهٔ رشد فرهنگی مناسبی به وجود آمد که بعد از صفویه نیز ادامه یافت. نمونهٔ بارز آن نگارش موسوعه‌های حدیثی در این دوره و پس از آن است. اسامی این موسوعه‌ها ـ که تاکنون شناسایی شده ـ چنین است:

۱. مجمع البحرین

تألیف سید علی بن محمد بن اسد الله حسینی عریضی امامی سپاهانی از دانشمندان قرن ۱۱ ق. او کتابش را در چهل و پنج جلد تنظیم نموده، ولی تاکنون نسخه‌ای از آن شناسایی نشده است.

۲. الأوفی

تألیف فضل علی بن شاهوردی بیک توشمال باشی (قرن ۱۲ ق).

مؤلف در مقدمهٔ کتاب عنوان می‌کند که: صد و بیست کتاب از مصادر روایی شیعه نزد وی گرد آمده بود و او تصمیم داشت روایت‌های این کتاب‌ها را جمع آوری کند، اما چون از تألیف کتاب **بحار الأنوار** علامهٔ مجلسی و **الوافي** فیض کاشانی با خبر گشت، از این کار منصرف شد. ولی پس از ملاحظهٔ آن دو کتاب، آنها را وافی به مراد نیافت، و تألیف

این کتاب را شروع نمود.

مؤلف، کتابش را در ۲۴ جلد ـ در یک مقدمه و چهارده کتاب ـ تنظیم نموده،[۱] و تاکنون دو نسخه از این اثر شناسایی شده است.[۲]

۳. **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار** علیهم‌السلام

از: علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (۱۱۱۰ ق).

بزرگ‌ترین موسوعهٔ حدیثی شیعهٔ امامیه است.

۴. **تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة** معروف به **وسائل الشیعة**

از: محمد بن حسن عاملی مشغری (شیخ حر عاملی) (م ۱۱۰۴ق)

۵. **عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات والأخبار و الأقوال**

از: عبد الله بن نور الدین بحرانی جزایری (۱۱۷۳ق).

دایرة المعارف حدیثی مفصلی مانند **بحارالأنوار** است در صد جلد (۵۰ جلد در اصول و ۵۰ جلد در فروع).

۶. **الوافي**

از: محسن بن مرتضی فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق).

کتابی در چهارده جلد و شامل احادیث مندرج در کتب اربعه است.

۷. **جوامع الکلام في دعائم الإسلام بطریق أهل البیت**علیهم‌السلام

از: محمّد بن شرف الدین علی بن نعمة الله بن حبیب الله بن نصر الله حسینی موسوی، مشهور به «سیّد میرزا جزایری».[۳]

۹. **جامع المعارف و الأحکام**

از: سید عبدالله بن محمد رضا شبّر حسینی (۱۲۴۲ ق).

در نوشتهٔ حاضر دهمین موسوعه از این مجموعه‌های حدیثی ـ (الشفا

---

۱. برای توضیح بیشتر پیرامون این کتاب ر.ک: مجلهٔ علوم حدیث، شمارهٔ ۶ ص ۲۸۲ـ۲۸۸.

۲. یکی در کتاب‌خانهٔ وزیری یزد نسخهٔ شمارهٔ ۱۶۲۷ (**فهرست کتاب‌خانهٔ وزیری**، ج۳، ص۱۰۰۶) و دیگری در کتاب‌خانهٔ آیةالله مرعشی به شمارهٔ ۲۳۳ که جلد اول کتاب است. (**فهرست مرعشی**، ج ۱، ص۲۵۸).

۳. برای اطلاعات بیشتر در بارهٔ این کتاب و نسخه‌های موجود آن، ر.ک: **میراث حدیث شیعه**، دفتر ششم، ص ۵۲۹ ـ ۵۴۶، مقالهٔ دوست گرامی آقای محمد برکت.

في أخبار آل المصطفى) معرفی می‌شود.

محمّد رضا تبریزی (مؤلف کتاب)

در بارهٔ زیست‌نامهٔ مؤلف کتاب شفا، زنده یاد میرزا جعفر سلطان القرائی مقالهٔ مفصلی در کتاب المحافل خود تنظیم نموده که مختصری از آن در این‌جا تقدیم می‌گردد:

محمّدرضا بن عبدالمطّلب تبریزی[1] از مشاهیر علمای قرن دوازدهم هجری قمری است و تا اواخر عشر اوّل قرن سیزدهم در قید حیات بوده است. شرح حال او را میرزا محمّد حسن زنوزی در ریاض الجنّة و شیخ عبدالنّبی قزوینی در تتمیم أمل الآمل و عبدالرزّاق بیگ دنبلی در دو کتاب خود که یکی موسوم به تجربة الأحرار و دیگری به نام نگارستان دارا است، به تفصیل و اجمال نوشته‌اند و در بعضی از تذکره‌های خوش‌نویسان نیز نام او را در زمرهٔ خطّاطان آورده و از مهرهٔ اقلام سبعه دانسته‌اند.

او از شاگردانِ پدرش ملّا عبدالمطّلب و شیخ مهدی فتونی و آقا باقر مازندرانی و آقا محمّد باقر بهبهانی بود و از این یکی به اخذ اجازهٔ اجتهادی نائل گشته است.[2] مع هذا ذوق طریقهٔ اخباریان را داشت و به سلیقهٔ این گروه از علمای مذهب تمایل می‌نمود. فقیه و محدّث و متکلّم و ادیب ماهر و سخنور و شاعر بود. با سه زبان ترکی و عربی و

---

۱. عبد المطلب تبریزی از عالمان بوده واز وی اثری در دعا موسوم به مجمع الدعوات در دست است که به چاپ رسیده است.

۲. صاحب ترجمه از دست کم دو تن اجازه دریافت نموده بدین ترتیب:

(۱) إجازهٔ شیخ شرف الدین محمد مکي، که در نجف در روز غدیر سال ۱۱۷۸، بر اول نسخه‌ای از کتاب الشفا في أخبار آل المصطفى نوشته است.

(۲) إجازهٔ سید عبد العزیز بن سید احمد موسوی نجفی که در نجف در سال ۱۱۷۸، در اول نسخه‌ای از کتاب الشفا في أخبار آل المصطفى نوشته است. الذریعة، ج ۶، ص ۲۹۰.

فارسی شعر می‌گفت و در قلمرو شعر و شاعری «شفا» خوانده می‌شد. خطّ را نیکو می‌نوشت و در این فنّ فاخر تجربهٔ وافی داشت. استادان این فنّ و کسانی که در این وادی سعی کرده و تجربه اندوخته‌اند، از مهارت او در اقلام سبعه سخن گفته‌اند.

مولانا محمّد رضاﷺ علاوه بر محاسن و فضایل مذکوره، حافظهٔ بسیار قوی و ذهن بی نهایت روشن و درخشان داشت.

شیخ عبدالنّبی قزوینی در توصیف حافظه و ذهن وقّاد او می‌گوید:

> در این دو صفت آیتی بود از آیات خداوندی با سعی و جهد و کوشش فراوان در عمل. در خطابه و سخنوری و سخن آرایی یکتای زمانه بود، با بیان سحّار، قلوب مستمعین را اسیر خود می‌نمود، قدرت بیان و متانت و استحکام کلام او در سر حدّ اعجاز بود.

عبدالرزّاق بیگ دنبلی ـ که در میان فضلا و ادبای آن عصر معدود و مشار الیه بالبنان است و بارها به صحبت او در تبریز و شیراز و قره باغ رسیده است ـ پس از وصف زیاد از شیوهٔ وعظ و تذکیر و خطابت او می‌نویسد که:

> ظرفا و بلغا و ادبا و البّای بسیار دیده‌ام؛ فاضلی چون او شیرین سخن و ندیمی مانندش ماهر در همه فن ندیدم.[۱]

در لباس تفنّن به کار می‌برد و به پاکی و پاکیزگی آن اهتمام می‌ورزید. در **نگارستان دارا** سیمای او را با این لفظ توصیف می‌کند:

> فاضلی بلند قامت بود و چندین لبّادهٔ ترمه و قلمکار بر روی هم می‌پوشید و به شکوه و تشخّص ظاهری به علاوهٔ تشخّص باطنی می‌کوشید. و با دوستان یک دل خویش چون شیر و شکر می‌جوشید و بر بالای لباس‌های خود ردایی سفید و نازک که حاجب ماورا نبود در بر می‌کرد و ظاهراً به لطافت و پاکیزگی لباس بسیار میل می‌کرد. و دستاری سفید و نازک و شسته و پاکیزه بر سر می‌نهاد و عصایی چون خطّ موهوم

---

۱. تجربة الأحرار، ج ۱، ص ۱۷۹.

در دست گرفته و به تبختر و تأنّی و حلم و وقار قدم در راه می‌گذاشت... و در حقیقت این اطوار، او را برازنده و در بحر فضل و دانش گوهری ارزنده بود.

تا آخر عمر در جایی آرام نگرفت، مانند کسی که در پی گم گشتهٔ خویش سر به هر در و برزن می‌زند، از شهری به شهری می‌رفت و از دیاری به دیار دیگر. در **تجربة الأحرار** می‌نویسد:

سرش خالی از شور دولت و سودای ریاست ظاهری نبود و گاه گاهی با صدیقان محرم، اظهار آن می‌فرمود. این تمنّا آرزوی خاصّی بود و بس، محض خیال بافی و هوس.

از دانش آنچه داد کم از رزق می‌نهد
چون آسمان درست حسابی ندید کس

در اوایل حال که در تبریز بود بنای نماز و موعظه نهاد، چندانش از مریدان ازدحام کردند که به وصف نمی‌گنجید. به عزم زیارت مشهد حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السلام از وطن بیرون شد و راه خراسان پیش گرفت. چون به مشهد رسید و مستقر شد، جمعی از خواص و عوام و بزرگ و کوچک به دور او گرد آمدند و حلقهٔ ارادتش را آویزهٔ گوش کردند. شاهرخ و سایر اولاد و احفاد نادر افشار، غاشیهٔ مریدی او را به دوش می‌کشیدند.[1]

پس از چندی رهسپار شیراز شد و در این شهر که آن اوقات دارالملک کریم خان زند بود، به خانهٔ عبدالرزّاق بیگ دنبلی که با جمعی از امیرزادگان و اولاد خوانین آذربایجان به رسم گروگان در آن به سر می‌بردند فرود آمد. آوازه به شهر افتاد، صیت فضایل و کمالاتش به گوش هر دور و نزدیک رسید. منزلش مجمع علما و فضلا و مطاف ارباب دانش و بینش گردید.

میرزا ابوالحسن مستوفی کاشانی در تاریخ **گلشن مراد**، در باب ازدواج

---

۱. **تجربة الأحرار**، ج ۱، ص ۱۷۹.

ابوالفتح خان پسر بزرگ کریم خان زند با خواهر هدایت الله خان والی گیلان می‌نویسد:

جناب فضایل مآب شیخ عبدالنّبی امام جمعهٔ شیراز و حضرت شریعت انتساب میرزا محمّد رضای تبریزی قاضی عسگر ظفر پرور، آن مخدّره را با شاهزاده ابوالفتح خان عقد نکاح بستند.

تاریخ این ازدواج بنا به قطعه‌ای که از آذر بیگدلی در آن کتاب استشهاد شده است، سال ۱۱۸۵ هـ ق است.

همچنین در وقایع سال ۱۱۹۲ ضمن توصیف جشن محمّد علی خان که یکی از هفت فرزند کریم خان است می‌نویسد:

بعد از انعقاد مجمع، شیخ عبدالنّبی امام جمعهٔ شیراز زبان به قرائت خطبهٔ نکاح گشوده و میرزا رضای قاضی عسگر همایون به تلقین کلمات ایجاب و قبول قیام نمود.

در زمان حکومت جعفر خان زند که در سال ۱۱۹۹ پس از مرگ علی‌مراد زند به کرسی حکمرانی نشست و در سنهٔ ۱۲۰۳ کشته شد، از اصفهان بیرون شده، سیر کنان وارد عراق عرب گردیده، به زیارت مشاهد مقدّسهٔ آن دیار شتافت.

والی بغداد مقدم او را به اعزاز و اکرام استقبال نمود.

چندی نیز در آن حدود به سر برده، راهی کردستان شد و در سنندج وارد خسروخان بن احمد خان بن سبحان ویردی خان فرمانروای کردستان گردید و انواع نوازش و احسان دید.

از آن جا نیز با گردش و سیاحت وارد آذربایجان شده، بی درنگ به صوب قره باغ رهسپار گشت و در قلعهٔ شوشه فرود آمده و استقرار یافت.

ابراهیم خلیل خان جوان‌شیر والی قره‌باغ از نزول این مهمان که نعمت غیر مترقّب بود، بسیار خرسند و شادمان شد. خود او و سایر امرا و

سرداران آن ولایت به صحبتش گراییدند و وظایف اخلاص و ارادت به جا آوردند.

وجود این موجود شریف به اعتبار قلعه افزود و در حقیقت قلعه با آن همه طمطراق به چنین انسان بزرگ که انسان عین انسان بود کوچک می‌نمود. در مسجد قلعه بنای نماز جماعت نهاد. به منبر رفت؛ در فراز منبر با همان بیان نافذ که به خود اختصاص داشت به ارشاد خلایق پرداخت. علما و دانشمندان آن دیار از هر سو به مجلس درسش شتافتند و به قدر استعداد و قابلیّت بهره‌مند و مستفید می‌شدند. کافل و مرجع خلایق و مقتدای مردم آن ولایت بود از سنّی و شیعی.

در نگارستان دارا می‌نویسد که:

آن اوقات که آقا محمّد خان قاجار گرفتار اطوار ناهنجار بعضی از برادران بود و خوانین آذربایجان به رسم ملوک الطّوایفی هر یک در ولایتی کوس فرمانروایی می‌زدند. ارکلی خان والی گرجستان با پادشاه روسیّه ساخته و می‌خواست که گرجستان را در بسته به او واگذارد. سلطان سلیم از سلاطین آل عثمان که پادشاهی سلیم القلب و دیندار و تجربه اندوز و عاقل و کدخدا منش و مآل اندیش بود، از این معنی باخبر شده به هر یک از حکّام و خوانین آذربایجان فرمانی صادر نمود و به هر یک از آنها که ده تَن یا بیشتر بودند، خلعت گران بها و اسب و یراق تهیّه کرده، به صحابتِ صالح افندی که از حجّاب دربار و مردی شاعر و ادیب و مطّلع بود ارسال داشت. فرستاده مطابق دستور، فرامین و خلاع را به هر یک از آنها رسانیده باز گردید. مضمون نامه چنین بود:

«والی گرجستان با پادشاه روس در ساخته، راه مداخلت آن فرقه را به تفلیس می‌گشاید، هر گاه این اراده از قوه به فعل آید، اهالی روم و ایران را مسلمانی مشکل دست دهد. باید که خوانین برای گرفتن گرجستان اتّفاق نمایند. اگر ایشان را خزینه و لشگر ضرور گردد، از دولت دوران، عدّت ما به هیچ وجه مضایقه نخواهد شد.

آماده باشند و اعلام کنند که لشگر و خزانه با پاشایان ذوالاقتدار به سمت گرجستان فرستاده شود».

امّا این خوانین شهوت پرست و هوسران را کجا استعداد و سعادت در اقدام این کار بود و کدام یک از آنها در کسب چنین شرفی تن به متابعت آن دیگری می‌داد؟

جان گرگان و سگان از هم جداست

در این میانه فرمایش سلطان سلیم را مولانا پیروی کرد و برای تعرّف خود و اظهار شوق و تهیّؤ طایفهٔ لکزّیه در جهاد، قصیدهٔ ترکی به نظم آورده، نامه نوشت و به مصحوب یکی از مریدان صاحب سواد به اسلامبول خدمت سلطان فرستاد و در نامه نوشت که اهالی داغستان، چند هزار نفر از جملهٔ مریدان من‌اند، از دل و جان، آمادهٔ عزم و ارادهٔ سلطان‌اند، هر وقت که فرمان دهد، به خدمت اقدام نمایند.

این چند بیت از آن قصیده است:

بحر و برّ ایچره قویاش تک تابناک
حکمنی اتمیش روان سلطان سلیم

اَل وروب یالِ مراده آیت مِنَن
بی یالان شاه یلان سلطان سلیم

آفتابِ داد و دین خاقان عصر
آسمانِ عزّ و شأن سلطان سلیم

تا جهاندن بخت و کام اولمش مراد
یا رب اولسون کامران سلطان سلیم

در نگارستان دارامی نویسد که:

مولانا از توقّف قره باغ دل تنگ و در قلعهٔ شوشه شیشهٔ صبرش به سنگ آمد. عزم خدمت خاقان مغفور محمّد شاه نمود. چون به بلدهٔ قزوین فرود آمد، در آن‌جا اجل موعودش در رسید و مریض شد و به رحمت ایزدی پیوست. فاضلی خوش عقیده بود، ارادت و اخلاص بسیار به جناب حیدر کرّار و ائمّهٔ اطهار داشت و از اشعارش این معنی مشهود می‌گردد.

در علم فقه و حدیث و لغت و انساب عرب و اطّلاع بـه حـال رجـال و عربیّت و ادب و حساب و جفر یگانه، و در نظم و نثر و خطب و انشـاء یکتای زمانه بود.

وفات او را در این کتاب چنان که می‌بینیم در قزوین می‌نویسد. لیکن در **تجربة الأحرار** که آن هم از تألیفات دنبلی است، محلّ وفات وی را در طهران مشخّص ساخته و می‌گوید:

چون خاقان مغفور محمّد شاه قاجار در سنهٔ ثمان و مـئتین بـعد الألف عکس تسخیر از آن بر مرآت ضمیر نقش بست، عـلّامهٔ دوران از قـلعه رست و در طهران به خاقان کامران پیوست. بعد از ورود به مشربِ عذبْ مـورود سـلطان عـاقبت مـحمود، طـاووس روح عـلوی آشـیانش از خارستان جهان پر افشان و با طوطیان طوبی هم آشیان گردید.

ضبط **تجربة الأحرار** صحیح می‌نماید. عقیدهٔ زنوزی نیز بر ایـن است و عبارتش در **ریاض الجنّة** چنین:

توفّی في بلدة الطهران في شهور سنة ثمان و مئتین و ألف.

تاریخ وفات او در سال هزار و دویست و هشت درست و بی چون و چراست و علاوه از تصریح میرزا محمّد حسن زنوزی در **ریاض الجنّة** و عبدالرزّاق بیگ دنبلی در **تجربة الأحرار**، شخص عالم و مطّلعی نـیز در ظهرِ ورق مجلّدی از مجلّدات کتاب **الشّفا في أخبار آل المصطفی** که متعلّق به کتاب خـانهٔ حـضرت آقـای حـاج مـیرزا مـحمّد عـلی آقـا قـاضی طباطبایی است، با تخمین سنین عمر او، تاریخ مذکور را به این لفظ تأکید و تأیید می‌نماید:

وفاته ـ رفع الله في الخلد أعلامه ـ ۱۲۰۸ و قد جاوز التّسعین.[1]

---

۱. پایان افادات مرحوم سلطانقرایی با تخلیص ر.ک: یادنامهٔ میرزا جعفر سلطانقرایی، ص۴۰۴ ـ ۴۱۳.

مصادر شرح حال مؤلف

شرح حال محمد رضای تبریزی در مصادر متعدد قابل دسترسی است که از اهم آنها کتاب‌های زیر است:

۱. **ریاض الجنة**، میرزا محمد حسن زنوزی خویی، (مخطوط)؛

۲. **نگارستان دارا**، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ با تصحیح دکتر خیام پور، تبریز، ۱۳۴۲ش، ص ۹۲ - ۱۰۱.

۳. **تجربة الأحرار و تسلية الأحرار**، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛دو جلد، با تصحیح حسن قاضی طباطبایی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۱۳۴۹ش، ج ۱، ص ۱۷۹ـ۱۹۴؛

۴. **گلشن مراد**، میرزا ابوالحسن مستوفی غفاری کاشانی؛ به اهتمام غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۹ ش، ص ۶۵۰.

۵. **دانشمندان آذربایجان**، محمد علی خان تربیت، ص ۱۹۸ و ۳۷۰؛

۶. **یادنامهٔ میرزا جعفر سلطان القرایی**، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۰ش، ص ۴۰۴ـ۴۱۳؛

۷. **سخنوران آذربایجان**، عزیز دولت آبادی، ج ۱، ص ۴۲۹ـ۴۳۰؛

۸. **تتمیم أمل الآمل**، شیخ عبد النبی قزوینی، با تحقیق سید احمد حسینی، قم، کتاب‌خانهٔ آیت الله مرعشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۴-۱۵۵.

بازماندگان

محمد رضا تبریزی فرزندی به نام صدر الدّین محمّد داشت که از مشاهیر علمای تبریز و از اکابر فقهای عصر فتحعلی شاه قاجار بود. نایب السّلطنه عبّاس میرزا و اطرافیان او از امرا و وزرا جانب او را رعایت می‌کردند و به احکام محکمهٔ وی اعتقاد داشتند. فتاوی او در

حلّ و عقد امور شرعیّه و قطع و فصل دعاوی خلایق، مطاع و منقاد بود.

از صدرالدین محمد دو اثر در دست است که هر دو را برای عباس میرزا نگاشته است، با این مشخصات:

۱. **فرهنگ عباسی**: در شرح و توضیح لغات فارسی، که در سال ۱۲۲۵ به اسم عباس میرزا نوشته است.[۱]

۲. **خلاصهٔ عباسی**.[۲]

صدرالدین محمد، شعر نیز می‌سروده و تربیت، اشعاری از وی نقل کرده است.[۳]

از بازماندگان تبریزی در دورهٔ قاجار، فخر الفضلا و حاج صدر الفضلا بودند که هر دو در محلّهٔ سرخاب تبریز سکنا داشته، بقیة الماضین این خاندان علم و معرفت بودند. مرحوم حاج صدر الفضلا که گویا نامش محمّد بوده، در حدود عشر سوّم نیمهٔ اوّل قرن چهاردهم هـ ق با همراهی صدیقش حاج میرزا ابوالحسن صدر الأشراف ارادهٔ زیارت مشهد حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السلام نمودند و هر دو از طریق روسیه رهسپار خراسان شدند. آن مرحوم در یکی از توقف گاه‌های راه آهن هنگام سوار شدن به قطار کمی دیر کرد و به سبب حرکت قطار به زیر چرخ‌های قطار رفت و هر دو پایش قلم شد و هم در این‌جا به رحمت حقّ پیوست.

پسر بزرگ آن مرحوم میرزا محمّد آقا نیز از علمای وقت بود. با پدرم مودّت و الفت داشت و من او را در خانهٔ پدر و در خارج مکرّر دیده بودم. به لقب پدرش ملقّب و به صدر الفضلا معروف بود. در محلّهٔ

---

۱. الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۰۳؛ فهرست نسخه‌های خطی مدرسهٔ سپهسالار، تهران، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲. الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۰۳.

۳. دانشمندان آذربایجان، تربیت، ص۲۲۸ و ۳۷۰؛ الذریعة، ج ۹، ص ۶۰۲.

سرخاب می‌نشست و در کوچه‌ای که هم اکنون در آن محلّه به نام کوچهٔ صدر الفضلا شهرت دارد، خانهٔ و مسکن داشت.

قطع و فصل دعاوی و رفع اختلافات اهالی آن حوالی در محکمهٔ او صورت می‌گرفت. امامت مسجد معروف به مسجد حاج کاظم وقتی به او تعلّق داشت. از شاگردان مرحوم شیخ هادی طهرانی بود. از بعضی متون فقهیّه و اصولیّه تدریس می‌نمود. خط را نیکو می‌نوشت. بغضی از آقا محمّد خان قاجار در دل داشت. از گذشتگان خود حکایت می‌کرد که:

اوقاتی که آقا محمّد خان در شیراز به سر می‌برد گویا از محکمه و دارالقضای ملّا محمّد رضا که قاضی عساکر کریم خان بود، حکمی علیه او و یا به ضرر یکی از کسانش صادر گشته و یا اهانتی به شخص وی متوجّه شده بود که بعدها روی همین سابقه، مورد مؤاخذهٔ آن سلطان کینه توز قرار گرفت، چندان که باعث بیماری او گردیده، منتهی به مرگش شد.

این قضیّه را من در جایی ندیدم و در مآخذ موجوده تعرّضی به این مطلب نیافتم. مرحوم میرزا محمّد صدر الفضلا در تبریز وفات یافت و در مقبرهٔ سیّد حمزه به خاک سپرده شد. وفاتش علی الظّاهر در سال هزار و سیصد و شصت و هشت هجری قمری اتّفاق افتاد. با مرگ او فضیلت این خاندان رخت بربست و سلسلهٔ علم و معرفت از آن دودمان قدیم منقطع گردید».[۱]

آثار

تألیفات ملا رضای تبریزی عبارت‌اند از:

---

۱. نقل وتلخیص از مقالهٔ مرحوم سلطان القرایی.

١. **شاهنامهٔ حسینی**؛ مثنوی‌یی است در بحر تقارب در شرح و بیان واقعهٔ جانسوز کربلا که در آن از هنگام حرکت حضرت سید الشّهداءعليه السلام از مدینه به مکّه برای اعمال حجّ و به قصد شهادت به کربلا، تا شهادت مسلم بن عقیل و دیگر وقایع کربلا را به نظم کشیده است.[1]

٢. **مثنوی**؛ به بحر تقارب در داستان فتح خیبر.

٣. **المصابيح في شرح المفاتيح**؛ که شرحی بر **مفاتيح الشرائع** فیض کاشانی است و نا تمام مانده است.

شیخ آقا بزرگ که نسخهٔ اصل این کتاب را ملاحظه نموده، آن را چنین گزارش نموده است:

> **المصابيح في شرح المفاتيح الفيضية**، للمولى محمد رضا بن عبد المطلب التبريزي أقول: قد خرج منه شرح كتاب المطاعم و المشارب في مجلد.
>
> أوله: «الحمد لله على ما أعطانا مفاتيح أبواب شرائع الأحكام، وأوضح لنا مسالك الأفهام إلى معرفة الحلال والحرام».
>
> ذكر في أوله أن أكثر الفقهاء كتبوا أحكام العبادات مفصّلاً و لكن لم يكتبوا المعاملات، فابتدأ هو بمفاتيح المعاملات من كتاب المطاعم، و شرحه شرح مزج، و سمّاه **بالمصابيح في شرح المفاتيح** في متن النسخة، لكنه كتب على ظهرها ما لفظه: «فقد وفقني الله لإتمام تسويد هذا المجلد من كتاب **مصابيح الظلام في شرح مفاتيح الأحكام**... محمد بن عبد المطلب المدعو بالرضا مؤلف الكتاب... يوم الأحد ١٦ ربيع الأول ١١٧٧، و ذلک في أيام مجاورتي للغري».
>
> و حكّ خاتمه الكبير: «محمد بن عبد المطلب المدعو بالرضا». و النسخة هي المسودة الأصلية، مشتملة على تغييرات كثيرة، خط يد المؤلف عند الشيخ قاسم محيي الدين الجامعي، و على ظهر الورقة الأُولى تقريظ الشيخ عبد النبي بن محمد تقي القزويني نزيل يزد، كتبه على النسخة أوان مراجعة المؤلف الشارح المذكور من زيارة المشهد الرضوي إلى العراق

---

١. دانشمندان آذربایجان، تربیت، ص١٩٨.

من طريق يزد في ۲۲ محرم ۱۱۸۲. أول التقريظ: «الحمد لله خالق الأنوار وكاشف الأسرار» يقرب من خمسين بيتاً. وصف المؤلف بقوله: «العالم المكرم والفاضل المعظم المحقق المدقق المتبحر المعتمد، مولانا محمد رضا بن من كان لنا صديقاً وفي حصول مرضينا رفيقاً، الكامل... (لم يقرأ) و العالم المتدرب مولانا عبد المطلب رضوان الله عليه؛ فإنه ـ دام ظله ـ في أوائل السن و في أزمنة غضاضة الغصن قد سعى فيه بكل همّه». و على ظهر الورقة كتب المؤلف بخطه وقفية النسخة على طلبة النجف في ۱۲۰۱.[1]

۴. کتاب **الشافي الجامع بين البحار و الوافي**؛ از این کتاب قزوینی در **تتميم أمل الآمل**، چنین یاد کرده:

كتاب **الشافي الجامع بين البحار و الوافي** مع حذف المكرّرات و البيانات، خرج منه سبع مجلّدات ضخام و يريد ختمه بالثّامن.

و این کتاب همان طور که در **الذّريعة إلى تصانيف الشّيعة**[2] نیز اشعار یافته است، علی الظّاهر همان کتاب **الشّفا في أخبار آل المصطفى** است.

۵. **الإشارات في الفقه**؛ زنوزی در **رياض الجنة** در بارهٔ این کتاب چنین گفته است:

الإشارات في الفقه و جرىٰ فيه بطريق الإنشاء و اللّغز و التّعمية، جيّداً جدّاً.

شیخ آقا بزرگ که نسخهٔ این کتاب را ملاحظه نموده، مشخصات آن را چنین ذکر نموده است:

رسالة **الإشارات في الفقه** نظير **تبصرة العلامة** لكنه أبسط منه و أخصر من **القواعد** و زبدته، للمولى محمد رضا بن عبد المطلب التبريزي. ذكر المؤلف في أول **الإشارات** أنه لما رأى شيخه المرحوم الشيخ مهدي الفتوني النجفي كتابه (**الشفاء في أخبار آل المصطفى**) في ثلاثمئة ألف بيت، أشار

---

۱. الذريعة، ج ۲۱، ص ۷۹.
۲. الذريعة، ج ۱۳، ص ۷.

إليه بتأليف كتاب في الفقه و الفتوى، ثم قال: و إني لما رأيت الشيخ أبا علي ابن سينا ألّف الشفا و الإشارات في الحكمة العقلية و مالت القلوب إليها، كتبت على منوالهما و باسمها في الحكمة العملية الشرعية مرتباً على أبواب كتب الفقه. و ما رأيته من نسخته مخرومة أول صفحاتها و آخرها، والموجود فيها من أول الطهارة إلى آخرها و من أول الصلاة إلى أواخر فروع القبلة، كانت من كتب المولى محمد تقي الهروي الحائري المتوفى ١٢٩٩، فانتقلت إلى خزانة سيدنا الشيرازي بسامراء سنين و أُعيدت إلى مكتبة كاشف الغطاء في النجف أخيراً. و الظاهر أنها نسخة الأصل المنحصرة.[١]

۶. **الشفا في أخبار آل المصطفى** (کتابی که در این مقاله معرفی می‌شود).

۷. **حاشیه بر حاشیهٔ خفری بر شرح تجرید قوشچی**.

۸. **حاشیه بر کتاب درّة التاج قطب الدین شیرازی**.

۹. **دیوان شفای تبریزی**؛ تبریزی به ترکی و فارسی و عربی شعر می‌سرود و در اشعارش «شفا» تخلص می‌کرد. در مصادر، اشعار و قصایدی برای او ذکر کرده‌اند، ولی معلوم نیست که او دیوانی برای خود تنظیم نموده باشد.

۱۰. **رسالة في الحيض**.[٢]

۱۱. **هدایة المسترشدین** در اثبات وجوب نماز جمعه؛ مؤلف در اول کتاب **مصابیح** خود از آن یاد کرده است.[٣]

تاکنون هیچ یک از آثار تبریزی به چاپ نرسیده است.

الشفا في أخبار آل المصطفى

این کتاب دایرة المعارف حدیثی است که مؤلف بنا داشته آن را در سه

---

١. الذريعة، ج ١١، ص ٧٧.
٢. الذريعة، ج ٧، ص ١٢٧.
٣. الذريعة، ج ٢٥، ص ١٩٢.

بخش (فروع، اصول وروضه) تألیف نماید که فقط به تألیف بخش فروع در نه جلد بزرگ موفق شده است. او در این اثر، احادیث کتاب‌های: **الوافي**، **بحار الأنوار** و **وسائل الشيعة** را در ابواب فقهی جمع آوری نموده است.

تبریزی کتابش را به شیوهٔ **بحار الأنوار** تألیف نموده و در مقدمه، اسامی کتبی که از آنها استفاده نموده را با شرح حال کوتاهی از مؤلفان آنها ذکر کرده است. او در آغاز هر حدیث، نام کتابی که حدیث را از آن نقل نموده می‌آورد. پس از آن نوع سند حدیث (مرفوع، مسند، مرسل و...) و بعد از نام هر راوی، ثقه، حسن، ضعیف، مجهول و... بودن وی را با علایمی تذکر می‌دهد. ویژگی‌های دیگر این کتاب و مصادری که از آنها استفاده نموده، در بخشی از این کتاب ـ که در ذیل این معرفی نقل گردیده ـ نمایان است.

نسخه‌های موجود کتاب شفا

از بخش فروع کتاب **شفا** که در نه جلد تألیف شده، تاکنون ۵ نسخه از مجلدات آن ـ که همه به خط مؤلف و نسخهٔ اصل کتاب هستند ـ شناسایی گردیده است، با این مشخصات:

۱. نسخهٔ کتاب‌خانهٔ آستان قدس رضوی مشهد، ش ۷۷۸۶[1] جلد اول، شامل کتاب طهارت، که در روز جمعه ۵ جمادی الثانی ۱۱۷۸ق، به پایان رسیده و در اول آن تقریظی از شیخ عبدالنبی قزوینی تحریر شده است[2]. در ۳۰۲ برگ، در اندازهٔ ۲۰×۳۰ سانتی متر، و هر صفحه

---

۱. گویا همان نسخه‌ای است که صاحب الذریعة در نجف اشرف نزد مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رؤیت نموده و در الذریعة (ج ۱۴، ص ۱۹۹) از آن یاد کرده است.

۲. تقریظ ملا عبد النبی قزوینی با این عبارت شروع می‌گردد: «نحمدک اللهم یا من شفی صدورنا بتهذیب أخبار أهل البیت الأخیار و أزال عنا الأمراض و الأوهام بوسائل آثار عترة النبي المختار» و قزوینی آن را در ۲۸ محرم ۱۱۸۲ نگاشته است.

شامل ۲۵ سطر.[۱]

۲. نسخهٔ کتاب‌خانهٔ میرزا جعفر سلطان القرایی در تبریز، شامل جلد دوم (جزء اول از کتاب الصلاة) و در روز جمعه ۱۳ رجب ۱۱۷۸ در نجف اشرف به پایان رسیده است. از آغاز این نسخه ورقی چند آسیب دیده و مقدار موجود در ششصد و سی و نه صفحه تخمین می‌شود.[۲]

۳. نسخهٔ کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی، ش ۱۳۶۵۶، شامل نصف دوم از جلد سوم (از صلاة اللیل تا آخر کتاب دعا) که در روز جمعه ۲۴ شعبان ۱۱۷۸ در نجف به پایان رسیده است، در ۲۲۹ برگ به اندازهٔ ۲۰×۳۱ سانتی متر و هر صفحه در ۲۵ سطر.[۳]

۴. نسخهٔ کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی، ش ۱۳۸۲۷، شامل جلد نهم (کتاب نکاح و طلاق) که در روز جمعه ۵ ذی قعده ۱۱۷۸ به اتمام رسیده است در ۲۰۸ برگ به اندازهٔ ۲۱×۳۳ سانتی متر و هر صفحه در ۲۵ سطر.[۴]

۵. نسخهٔ کتاب خانهٔ شهید آیة الله میرزا محمّدعلی قاضی طباطبایی که گویا جلد هشتم کتاب و از کتاب تجارت تا آخر وصایا را شامل است. این جلد در روز جمعه ۷ شوال ۱۱۷۸ در نجف به پایان رسیده است با این سر آغاز:

بسم الله الرّحمن الرّحیم، نحمدک اللّهمّ یا من اسمه شفاء، و نشکرک اللّهمّ یا من ذکره دواء.[۵]

---

۱. فهرست نسخه‌های خطی آستان قدس، ج ۱۴، ص ۳۱۴.
۲. یادنامهٔ میرزا جعفر سلطان القرایی (تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۰ش) صص ۴۰۴-۴۱۳.
۳. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی، ج ۳۷، ص ۱۸۳.
۴. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی، ج ۳۷، ص ۳۷۹.
۵. یادنامهٔ میرزا جعفر سلطان القرایی (تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۰ش) ص ۴۰۴-۴۱۳.

کتاب شفا در مصادر

زنوزی در ریاض الجنّة در بارهٔ این کتاب می‌نویسد:

کتاب الشّفا في الحديث كبيرٌ مبسوط، مشتمل على أكثر الأُصول الأربعمئة و غيرها من كتب الأحاديث أُصولاً و فروعاً، يقرب من مئة ألف بيت و خمسين ألف بيت في تسع مجلّدات، جمعه بإعانة أخويه الكاملين الفاضلين، المولى إبراهيم و المولى إسماعيل ابني المولى عبدالمطّلب.

شیخ آقا بزرگ در الذریعة در معرفی آن چنین فرموده:

الشفاء في أخبار آل المصطفى للمولى محمد رضا بن عبد المطلب التبريزي؛ جمع فيه الأخبار و بوّبها نظير البحار في مجلدات و هو موجود في تبريز عند أحفاده، و قد رأيت عند سيدنا أبي محمد الحسن صدر الدين الجزء الأول من المجلد الثاني من كتاب الصلاة، تاريخ فراغه ۱۷ رجب سنة ۱۱۷۸، و كأنه الذي كان عند شيخنا العلامة النوري، ينقل فيه المؤلف عن الكتب التي لا ينقل عنها المحدث الحر في وسائله، مثل الفقه الرضوي و دعائم الإسلام و غيرهما و كأنه جمع بين البحار والوافي، فيذكر في أول كل حديث أنه صحيح أو حسن أو ضعيف، مسند أو مرسل، و يذكر بعد اسم كل رجل في السند أنه ثقة أو مجهول أو ضعيف أو غيرها، كل ذلك بعلامات من الحمرة، و على ظهر النسخة إجازة للشيخ شرف الدين محمد مكي العاملي للمصنف كتبها بخطه في النجف الأشرف سنة ۱۱۷۸، و إجازة أُخرى للسيد عبد العزيز بن أحمد الموسوي النجفي تلميذ الشيخ أحمد الجزائري أيضاً كتبها للمصنف بخطه، و أول مجلداته كان في النجف الأشرف رأيته عند السيد أبي الحسن الأصفهاني، و لعله انتقل إلى المكتبة الرضوية بعده، و عليه تقريظ الشيخ عبد النبي بن محمد تقي القزويني في غاية البسط في ۲۹ محرم سنة ۱۱۸۲، أول التقريظ: «نحمدك اللهم يا من شفى صدورنا بتهذيب أخبار أهل البيت الأخيار»، و أول الكتاب: «حمداً لك اللهم يا من اسمه شفاء، وشكراً لك يا من ذكره دواء ... فيقول أعصى شيعة المرتضى محمد بن عبد المطلب المدعو بالرضا... و سميته بالشفا في أخبار آل المصطفى جامع جميع أحاديث الوافي والبحار والوسائل».

و هذا المجلد من أول الطهارة إلى آخرها و فيه تمام أحكام الأموات وآداب الحمام و ما يتعلق بها و عليه حواش كثيرة من المؤلف، و قد فرغ من تأليفه ٥ جمادى الثانية سنة ١١٧٨، و ذكر في أوله العيوب التي في المجاميع الثلاثة المتأخرة أعني الوافي، و الوسائل، و البحار، ثم وصف جمعه هذا بالخلو عن جميع ما في هذه الثلاثة مع حسن الترتيب والجامعية لجميع ما فيها، و ذكر في أوله فهرس مآخذ الكتاب، و ذكر وجه اعتبارها كما صنعه صاحب البحار، و ذكر أسانيدها كذلك، و نقش خاتمه الكبير: «محمد بن عبد المطلب المدعو برضا».[1]

مصادر کتاب شفا

مؤلف در تألیف کتابش از مصادر متعددی استفاده نموده و در آغاز جلد اول نام مصادر را ذکر کرده است. تعداد مصادری که مؤلف از آنها استفاده نموده به ۳۱۹کتاب بالغ می‌شود. او در بخش دیگری از مقدمه در بارهٔ اعتبار این مصادر و سند آنها بحث نموده است. این بخش از کتاب، به دلیل اهمیّت آن و برای ارائهٔ نمونه‌ای از کتاب، در ذیل این مقاله تماماً نقل شده است.

---

۱. الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۹۹.

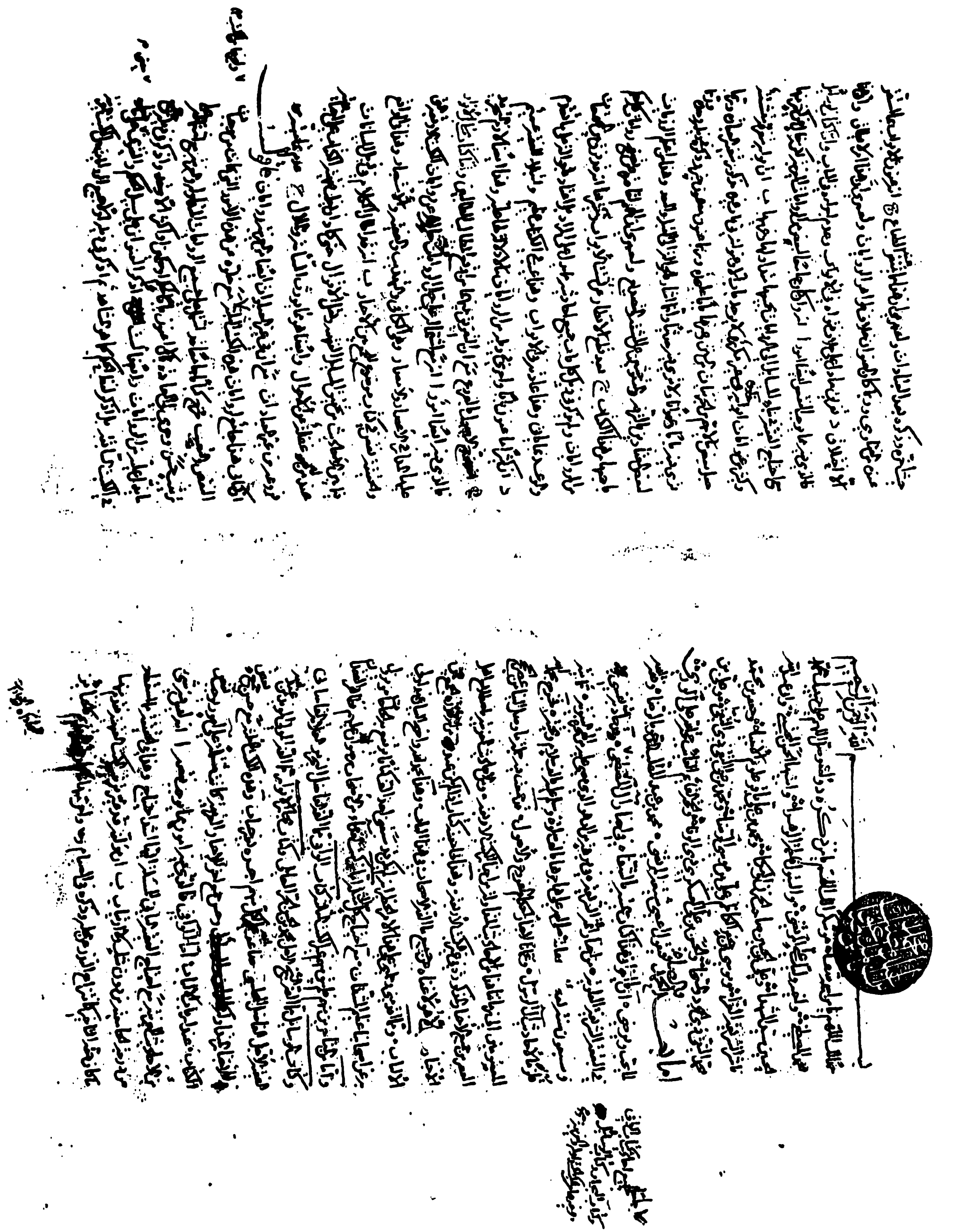

تصویر صفحهٔ اول از جلد اول کتاب شفا

نسخهٔ ش ۷۷۸۶ کتاب‌خانهٔ آستان قدس رضوی

تصویر تقریظ شیخ عبد النبی قزوینی

بر جلد اول کتاب شفا

تصویر صفحهٔ آخر از جلد اول کتاب شفا
نسخهٔ ش ۷۷۸۶ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی

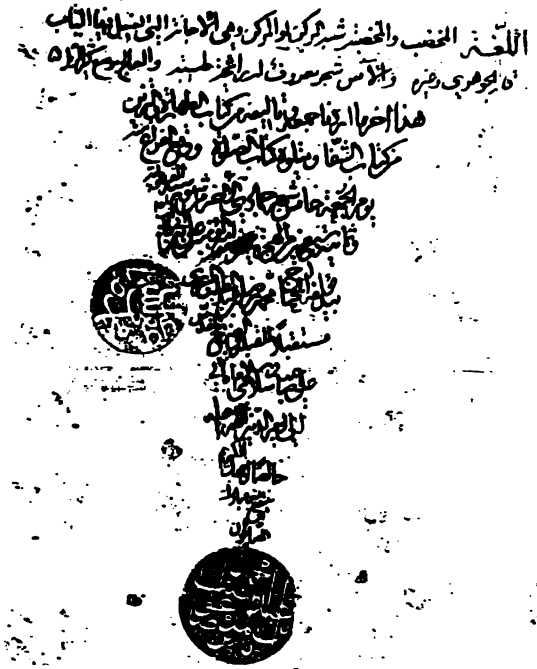

ابن محبوب عن عبد الله بن سنان قال سمعت العالم ع يقول الشتر هن في الدنيا وينتقلن
في الآخرة الصلوة في آخر الليل وإياسة الناس مما في أيدي الناس والياس الإمام من الحدة
تفسير علي بن إبراهيم في رواية هارون بن الجهم عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله
قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ثوابان في الدنيا الأول الليل فإن الله إذا جمع الأولين والآخرين
ينظر إليهم فيقول أين الذين كانت تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا وطمعا ومما رزقناهم
ينفقون فلا تعلم نفس ما أخفي لهم من قرة عين جزاء بما كانوا يعملون أيضا صدر والآخر
الصلوة وهو طرفي النهار الصلاة الغرب وزلفا من الليل العشاء الآخرة الحسنات
يذهبن السيئات قال أصل الوسطى من الليل نذهبهم أعلوا النهار السيئات الذنوب
وصدر من الليل فيجيء بها فإذا السنة أصل الليل فإذا ذهب الذنوب
في الخبر الصلوة في جوف الليل وتسع تحدث وتلا حين يقوم قال أصلة الليل
الليل الخصال في عن أبيه عن علي بن معبد الكيلاني عن أحمد بن محمد عن أبيه عن
عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله ع قال أتى رسول الله صلى الله عليه وآله رجل فشكا إليه عظم
ما يجد من عشق ما نالت راحلتي من شكاتك فما قربتها إلى أن استقلت قال
فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله عليك بصلاة الليل وعليك بها عليك بها
عن أبيه عن علي بن معبد عن الكيلاني عن أحمد بن محمد عن أبيه عن
علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن علي بن الحكم عن أبان بن عثمان عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال
قال رسول الله صلى الله عليه وآله عليكم بصلاة الليل ثلاثا ثم قال إن

ابن فاختة عن أحمد بن محمد عن طريف عن أبي جعفر ع قال ثلاث درجات أفشاء السلام
وإطعام الطعام والصلوة بالليل والناس نيام الخصال في عن أبيه عن علي
بن إبراهيم عن أبيه عن إسماعيل بن مرار عن يونس بن عبد الرحمن عن أبي عبد الله ع قال كان فيما أوحى
الله إلى موسى ع يا علي ثلاث درجات الورع في الدنيا الموالاة في الإخوان والإفطار
من الصيام والتهجد من ظلم الليل الخصال في عن أبيه عن سعد عن عبد الله عن
حماد بن عيسى عن أبيه عن عيسى بن عبد الله عن أبيه عن جده عن أمير المؤمنين ع
في حديث الأربعمائة أشياء التسبيح بالنساء وعقائد الأوتار والصلوة بالليل
عن أبيه عن أحمد بن محمد عن الهاشمي الصوري عن يونس بن عيسى
عن الحسن العسكري ع في الآية قال الصادق ع في قوله تعالى الحسنات يذهبن السيئات
قال صلوة الليل تذهب بذنوب النهار الخصال في عن أبيه عن سعد عن
أحمد بن يحيى وزكريا عن بكر بن عبد الله بن حبيب عن نعيم بن يعلول عن أبي حمزة عن الأعمش
عن الصادق ع في خطبة بكر مدح الأنبياء ع وعلامة الأمانة قال وإياكم الزوع والخفة
والصدق والقلة والأضاء وأداء الأمانة البر والفاجر وطول السجود وقيام الليل
وإضاء النهار والنطاء الروح والصبر وحسن الجوار يحاسن الدين يتحول عن أبيه
عن أحمد بن محمد عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين
عن أبان بن عثمان عن بكر السقاق سمعت أبا عبد الله ع يقول إن فيما أوحى الله تعالى
إلى موسى ع ثلاثة التهجد بالليل وانتظار الصلاة وإلقاء الإخوان لله تعالى الخصال في
عن محمد بن عمر بن علي البصري عن محمد بن أبي هريرة عن جابر بن يزيد عن أبي جعفر ع
عن عبد الله بن محمد عن عمر بن سعيد عن علي بن أبي حمزة عن سعيد عن الأعمش عن عطية العوفي
عن جابر بن عبد الله قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول اتخذ الله إبراهيم خليلا لإطعامه الطعام
وصلوته بالليل والناس نيام الخصال في وحدثنا محمد بن علي ماجيلويه عن عمه محمد بن أبي القاسم
عن أبي ذر رحمه الله عن النبي صلى الله عليه وآله قال أفضل أوجه الكلام عند قرب
الأعمال في عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى عن القاسم بن يحيى
عن الحسن بن راشد عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن أحدهما ع قال
أبي الحسن ع قيام الليل مصلحة للبدن ومدعاة للرب عز وجل ونور في القبر ونور في الآخرة وتمسك

تصویر صفحه اول از جلد سوم کتاب شفا
نسخه ش ۱۳۶۵۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی

وسائل روی الجلیس م

تصویر صفحهٔ آخر از جلد سوم کتاب شفا

نسخهٔ ش ۱۳۶۵۶ کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ما اسمه شفاء وذكره دواء والصلاة والسلام على محمد رسول الله وعلى آله وعلى أبي سيد الوصيين وأخي رسول رب العالمين وأمام المتقين ويعسوب المسلمين وقائد الغر المحجلين وسيد العرب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وعلى الأئمة الراشدين والهداة المهديين الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف القائم بالحق المنتظر المهدي صلوات الله عليهم أجمعين وعلى ملائكة الله المقربين وأنبيائه المرسلين وعباده الصالحين وسلم تسليما كثيرا

وبعد هذا فهو الكتاب الذي سألني بعض أصحابي أن أصنف له كتابا مختصرا في أحكام النكاح وأجمال الطلاق فأجبته إلى ذلك رجاء الثواب من الله تعالى وطلبا لما عند الله سبحانه وهو مشتمل على كتاب النكاح ومكارم الأخلاق والآداب الشرعية والله أسأل أن ينفع به كما نفع بما سواه من الكتب التي سبق تصنيفها إنه سميع مجيب

كتاب النكاح

وهو مشتمل على أبواب

الباب الأول

في فضل النكاح وكراهة العزوبة وما يناسب ذلك

فيه أحاديث

الأول ما رواه الشيخ في الصحيح عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله من تزوج أحرز نصف دينه فليتق الله في النصف الباقي

الثاني ما رواه الشيخ في الصحيح عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما استفاد امرؤ فائدة بعد الإسلام مثل زوجة تسره إذا نظر إليها وتحفظه إذا غاب عنها

الثالث ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما بنى بناء في الإسلام أحب إلى الله من التزويج

الرابع ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله من أحب فطرتي فليستن بسنتي ومن سنتي التزويج

الخامس ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله تزوجوا فإني مكاثر بكم الأمم حتى بالسقط

السادس ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله تزوجوا ولا تطلقوا فإن الطلاق يهتز منه العرش

السابع ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

الثامن ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

التاسع ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

العاشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

الحادي عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

الثاني عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

الثالث عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

الرابع عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

الخامس عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

السادس عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

السابع عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

الثامن عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

التاسع عشر ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

العشرون ما رواه الشيخ في الصحيح عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من بيت يبنى في الإسلام أحب إلى الله من بيت يعمر بالنكاح

تصویر صفحهٔ آخر از جلد نهم کتاب شفا
نسخهٔ ش ۱۳۸۲۷ کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی

محمد رضا بن عبد المطلب تبریزی

از مشاهیر علمای قرن دوازدهم هجری قمری است و تا اواخر عشر اول قرن سیزدهم (در قید حیات) بوده است. شرح حال او را میرزا محمد حسن زنوزی در ریاض الجنة و شیخ عبد النبی قزوینی در تتمیم أمل الآمل و عبد الرزاق بیگ دنبلی در جلد اول کتاب خود که می نویسم به بحر به الأحزان و دیگری بنام نگارستان دارا است به تفصیل و اسهاب نوشته اند و در بعضی از تذکره های خوشنویسان نیز نام او را در زمره خطاطین آورده و از مهره اقلام سبعه دانسته اند.

از شاگردان بدرس ملا عبد المطلب و شیخ مهدی فتونی و آقا باقر مازندرانی و آقا محمد باقر بهبهانی بود و از این یکی به اخذ اجازه اجتهاد نائل گشته است مع هذا در رشته طریقة اخباریان را داشت و به سلیقه این گروه از علمای مذهب تدریس می نمود. فقیه و محدث و متکلم و ادیب ماهر و سخنور و شاعر بود. با سه زبان ترکی و عربی و فارسی شعر می گفت و در قلمرو شعر و شاعری شفا خزینه می شد خط را نیکو می نوشت و در این فن فاضل تجربه دانی داشت. بسیاری از این فن دست نیافته اند و در این مواردی سعی کرده و تجربه ها و خبره اند از مهارت او در اقلام سبعه سخن گفته اند.

تسجیل و قفنامه های میرزا رحیم و میرزا خلیل پسران میرزا جعفر مقدم وزیر مرغه که با اقلام ثلاثه او مسجل است حکایت از نازکی و لطافت خط و استحکام و قدرت قلمش می کنند. مهرش از این قرار به شکل دایره و مضمون آن با قلم نسخ: «محمد بن عبد المطلب المدعو بالرضا» است جز این، مهرهای دیگر نیز با اشکال و نقوش مختلف از وی دیده شده است. این وقفنامه ها که در سالهای ۱۱۷۱ و ۱۱۷۲ هجری قمری در چند نسخه نگارش یافته است متضمن املاک بسیار از جمله قراء و ضیاع و عقار و باغات و مغازه ها و دکاکین و حمام است که این جمله برادر با شرایط مشروحه در متون آنها در داخل مرغه و خارج آن شهر و قف نموده اند. و علاوه از تسجیل شخصی او، با مهر دو برادرش آخوند ملا ابراهیم و آخوند ملا اسمعیل و چند دیگر از فضلا و علمای شهر تبریز که در میان آنها مهر آقا سلیم و ملا ابو علی مدرس دیده می شود مشهور و اتفاق یافته است.

این ملا ابو علی در سنه زلزله تبریز در بنا به روایت عبد الرزاق بیگ دنبلی و در تجربة الأحرار در شب شنبه غره محرم سال ۱۱۹۴ و به روایت میرزا ابو الحسن مروی در تاریخ گلشن مراد در ۲۹ ذی الحجه

تصویر صفحهٔ اول از شرح حال محمد رضا تبریزی

از کتاب المحافل مرحوم میرزا جعفر سلطان القرایی

بسم الله الرّحمن الرّحيم

[مقدمة المؤلف]

/١ ب/ حمداً لک اللهم يا من اسمه شفاء، وشكراً لک يا من ذكره دواء، و صلِّ اللهم على حبيبک محمّد المصطفى، و أخيه وليک علي المرتضى، و البتول فاطمة الزهراء، و ابنيها الحسن المجتبى و الحسين سيد الشهداء، و علي بن الحسين صاحب الحزن و البكاء، و محمّد بن على باقر علوم الأنبياء، و جعفر بن محمّد ناشر الشريعة الغرّاء، و موسى بن جعفر الكاظم، و علي بن موسى الرضا، و محمّد بن علي التقي ذي التقى، و علي بن محمّد النقي ذي الجود و السخاء، و الحسن بن علي العسكري ذي الوفاء، و الحجة القائم الغائب حجة الله على الورى.

أمّا بعد الحمد و الصلاة فيقول أعصى شيعة المرتضى محمّد بن عبد المطلب المدعو بالرضا ـ وفقه الله لما يحبّ و يرضى ـ أن: يا إخواني، هذا كتاب سمّيته بـ**الشفا في اخبار آل المصطفى**، جامعاً جميع أحاديث كتاب **الوافي** و كتاب **البحار** و كتاب **الوسائل** و غيرها من الكتب المتداولة و الغريبة، قد جادت به نفسي في البقعة الشريفة العلوية، من أخبار أئمة الشريعة، في برهة من الدهر الذي مضى عليه من الهجرة النبوية ثمانية و سبعون سنة بعد ألف و مئة، صلّى الله على هاجرها بألف صلاة، و سلّم عليه بألف سلام و تحية.

فخرج بحمد الله قلزماً لأحاديث آل الرسول، و عمّاناً لأخبار أحكام الفروع و الأُصول، قد جمعت فيه جملة ما وصل إلينا من عصر الحجج المعصومين إلى زماننا هذا من الأحاديث المتداولة من أخبار الكتب الأربعة و من الأحاديث الغريبة ـ باصطلاح أهل العصر ـ من جميع الأخبار المذكورة في غير الكتب الأربعة.

و هذا لجامعيته كتاب إذا لم يكن عند من له قدرة الجمع بين الأخبار كتاب إلا هو

لأغناه من جميع ما ألّفه الأصحاب في هذا الباب؛ و هذا بحمد الله واضح البيان عند أولي الألباب.

[سبب تأليف الكتاب]

و مما أقدمني و حملني على هذا الأمر الخطير أنّه لم يكن قد سبقني أحد ألّف كتاباً يرتفع به الحاجات و يزول به عن أصحابنا عظيم المشقات، مع احتياج كل إلى مثله.

أما مِن كتب القدماء من الأصحاب ـ رضوان الله عليهم ـ فظاهر الفقدان، و أمّا من المتأخرين منهم فلم يبق منهم غير الكتب الثلاثة:

كتاب **الوافي** ممّا ألّفه الفاضل النحرير العلامة القاساني؛ كتاب **الوسائل** ممّا ألّفه الشيخ الأجلّ محمّد بن الحسن العاملي؛ و كتاب **بحارالأنوار** ممّا ألّفه المولى المؤيد من عند الله الفقيه الأجلّ الفاضل المجلسي ـ ضاعف الله لكل منهم أجره بغير حساب ـ.

[نقص الكتب المتقدمة]

و هذه الكتب الثلاثة ـ مع حسن جمع بعض للأخبار المتداولة و حسن جمع آخر للأخبار الغريبة ـ كانت مشتملة على أُمور يوجب نقص الكتاب عند أرباب الألباب.

أمّا **الوافي** فالذي فيه أُمور ممّا يوجب نقصه:

ا) إنّه ليس فيه شيء من الأحاديث الغريبة مع احتياج الفقيه الباني للمسألة إليها أشدّ احتياج، و هذا في الحقيقة ممّا أسقطه عن درجة الجامعية من دون شک و لا ارتياب.

ب) إن مؤلّفه قد غيّر ترتيب الكتب الفقهية، فقدّم منها ما كان حقه التأخير، كانتزاع النذر عن محله و ذكره في الصيام؛ و أخّر منها ما كان حقّه التقديم، كالجنائز /٢ الف/ حيث أخّره و ذكره بعد العبادات؛ و لعمري إنّ هذا ممّا يتنفر عنه الطباع.

ج) إنّه عنون الأبواب بما استقرّ عنده من الفتاوى، و ربما كان العنوان خلاف ظواهر الروايات؛ و لعمرى إنّ هذا أمر لايطاق، «إن هذا إلا اختلاق».

د) تفريق ما دلّ على خلاف فتواه في الأبواب و عدم إجرائه في الباب.

و أما كتاب **الوسائل**، فالذي فيه ممّا يوجب النقص أيضاً أُمور:

ا) إنّه كان جامعاً لبعض من الروايات الغريبة لكن خالٍ عن كثير منها مع احتياج الفقيه في بناء المسائل إلى الروايات بجميعها: متداولها و غريبها.

ب) إن أبوابه متفرقة متشتتة، و كثير من عنوانات أبوابه مكرر، و لا يوجد باب إلا و عنوانه في باب غيره مذكور بتغيير العبارة، و ربما جعل بعض ما لا يهمّ من الجزئيات من السنن و غيرها باباً على حدة، و ربما عنون مضمون خبر و ذكره في ذيله وحده، و ربما ترى فيه باباً و عنواناً و لاترى فيه حديثاً، و إنما أشار بالحوالة إلى القبل و البعد، و هذا من أعظم الرزيات لبعض المتعادين بالترفّه و المستوحشين عن المشقّة و التصديع، و لعمري إنّ الهمم القاصرة عن تصفّح روايات كل حكم بأجمعها من هذا الكتاب.

ج) بعد قطع الأنظار عن تشتّت الأبواب و تكثيرها إنه قد فرّق بين المجتمعات من الروايات، و لم يذكر في ذيل كل باب جميع أحاديثه ممّا يدلّ على المراد، بل اعتاد بإحواله على ما تقدّم و الوعد بما يأتي و هذا عادته في الأبواب، و هذا عيب في الكتاب عظيم، و ابتلاء للفقيه عميم.

د) إنّ كثيراً ما عنون باباً و أجري في ذليه من الروايات ما لا دلالة لها عليه، و هذا أيضاً لازم التجريد.

ج) إنّه خرّج الأُصول بالفروع، مع أن التفريق بينهما من أوقع المطالب للطالبين.

و أما كتاب **بحارالأنوار**، فالذي فيه أيضاً أُمور:

ا) أنّه مع اشتماله على جلّ الروايات الغريبة، خالٍ عن روايات الكتب الأربعة التي عليها المدار في الأعصار و الأمصار، و هى **الكافي** و **التهذيب** و **الفقيه** و **الاستبصار**، و هذا في الواقع و الحقيقة نقص في كتابٍ موضوع للجمع بين الأخبار.

ب) أنه قد طال الكلام في ذيل البيانات فيما بين الأحاديث من تحقيق المسائل الفقهية و نقل الأقوال، حتى كاد أن يغلب فقهية الكتاب على أخباريته عند من له غفلة عن الأحوال، و أيضاً هو ممّا يورث السأمة و الملال.

ج) عدم تمامية فروعه من غير العبادات، مع أن في غير العبادات أيضاً من الغريبة روايات.

[مزية الكتاب]

فأقول: إن كتابي هذا جامع لروايات هذه الكتب الثلاثة و لغيرها من الكتب، مع خلوّه عن هذه الأُمور التي كانت من موجبات النقص و التعيّب، فخرج كتاباً جامعاً قد اشتمل على جميع الروايات المتداولة و الغريبة مع اشتماله على ترتيب حسن، و جرى لي العادة بأن لا أُعنون باباً لحكم أو حكمين أو أكثر إلا و أذكر في ذيله جميع ما يدل عليه من الروايات، و أيضاً لست أَذكر العنوان على سبيل الحكم و الفتوى على ما فعلوه في الكتب السابقة، بل أذكر لفظ الحكم كما هو المشاهد ثم أذكر في ذيله أوّلاً جميع الروايات من الكتب الغريبة /٢ب/ ثم أشرع بذكر جميع ما يناسب من الروايات المذكورة في الكتب الأربعة المتداولة، و كل هذه مع الإشارة باسم الكتاب الذي أُخذ منه الحديث. و من خصائص كتابنا هذا أُمور:

ا) أني ذكرت أحوال رجال أسانيد كل حديث واحداً واحداً بالرمز و الإشارة. فقولي:

«ثقة»: إشارة إلى كون الرواي إمامياً عدلاً ثقةً.

و «ق»: إشارة إلى كون الراوي غير إماميّ، لكنه عدل موثق في الحديث.

و «م»: إشارة إلى كون الراوي مجهول الحال، لا جرح فيه و لا تعديل.

و «ض»: إشارة إلى كونه ضعيفاً.

و «ح»: إلى كونه إمامياً ممدوحاً.

و «مخ»: إلى كونه مختلفاً فيه.

و «ش»: إلى كونه مشترك الاسم بالاسم.

ب) التصريح بكون الحديث صحيحاً أو موثقاً أو ضعيفاً أو حسناً، زائداً على بيان أحوال الرجال.

ج) أني أخليته من الحشو و الزوايد، و جرّدته عن البيانات في وسط الأخبار، و ما ذكرت في الأبواب غير اللغة، فذكرت لغة كل باب في آخر الباب منفصلاً عن الأخبار بقدر الاحتياج.

د) أني ذكرت في هامش الكتاب الأحكام المستفادة من الأخبار تفصيلاً بعد أن ذكرت للأبواب عنوانات جامعة لما في ذيلها من الأخبار، و هذا الأمر ممّا يهوّن على الناظر تطويل الأبواب، فتحرير الأحكام في هوامش كتابنا هذا مما لابد منه حسنه و تسهيله، فليكتبها كل من أراد استنساخ الكتاب.

هذه ما اشتمل عليه هذه النسخة من الأُمور المليحة البديعة التي يورث نشاط قلوب ذوي الألباب. فخذوها إليكم من نوادر تحف الزمان شفاءً للقلوب و دواءً يداوى به داء الذنوب.

و من الله أرجو أن تقبله منّي، و إلى رسوله شفيع المذنبين أتوسّل به حيث قال ﷺ: **«المؤمن إذا مات و ترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة ستراً فيما بينه و بين النار، و أعطاه الله ـ تبارك و تعالى ـ بكل حرف مكتوب عليها مدينة أوسع من الدنيا سبع مرّات، و ما من مؤمن يقعد ساعة عند العالم إلّا ناداه ربه ﷻ: جلست إلى حبيبي، فو عزتي و جلالي لأُسكننّك الجنة معه و لا أُبالي.** كذا في **الأمالي**[1] بإسناده إلى رسول الله ﷺ.

فاللهم يا ربّ محمّد و عليّ، اجعله خالصاً لوجهك الدائم الباقي بمحمّد و عليّ، واجعله يوم القيامة نوراً ساطعاً بين يدي عبدك الذليل، و ثقّله في الميزان ثقلاً لا يقاومه ذنب المذنبين و معصية العاصين، و اجعله نجاتي من عذابك الأليم حاجزاً بيني و بين نار الجحيم، و اجعله من الباقيات الصالحات من بعدي ينتفع به الصلحاء من عبادك إلى يوم الدين يا رب العالمين.

[اصطلاحات الكتاب]

وها أنا أذكر ما عليه اصطلاحي في هذا الكتاب، و أذكر أسامي الكتب المأخوذة منها الأحاديث، التي ذكرناها في الفروع و الأخبار، التي سنذكرها في الأُصول إن شاء الله تعالى، و أذكر اسم كل مؤلف منها.

أما أسامي الكتب و أسامي المؤلفين:

---

۱. الأمالي شيخ صدوق، ص ۹۱.

«الشيخ»: هو الشيخ محمّد بن الحسن الطوسي، فكلما ذكرته فالحديث الذي في ذيله مأخوذ من **التهذيب** تأليف الشيخ المذكور ـ قدس الله روحه ـ.

و «الشيخان»: إشارة إلى الشيخ الطوسي و الشيخ الكليني، فالحديث الذي ذكرته في ذيله مأخوذ من **التهذيب** و **الكافي**.

و «الشيخان في الكتب»: إشارة إليهما أيضاً، لكن المراد أنّ الحديث ممّا هو مذكور في الكتب الثلاثة **التهذيب** و **الاستبصار** تأليفي الشيخ الطوسي و **الكافي** تأليف الكليني. و ربما ذكرت بدل الكتب الكتابين و لا تفاوت في المراد، و الكتابين إشارة إلى **التهذيب** و **الاستبصار**.

و «الشيخ في **التهذيبين**»: إشارة إلى أخذ الحديث من **التهذيب** و **الاستبصار** تأليفي الشيخ الطوسي. و ربما ذكرت بدل **التهذيبين** «**الكتابين**» أو على الإضمار بقولي: «**الشيخ فيهما**».

و «الصدوق»: إشارة إلى أخذ الحديث من كتاب **من لا يحضره الفقيه** تأليف الشيخ محمّد بن علي بن بابويه القمي رحمه الله.

و ربما صرّحت بـ**الفقيه** و **التهذيب** و **الكافي**.

[القسم الأوّل من المقدمة]

/٣الف/ **و أمّا الكتب التي نقلنا منها أحاديث هذا الكتاب فنقول:**

كتاب **الكافي** للكليني، و كتاب **التهذيب**، و كتاب **الاستبصار**، و كتاب **من لا يحضره الفقيه**، و كتاب **عيون أخبار الرضا** عليه السلام، و كتاب **علل الشرائع و الأحكام**، و كتاب **إكمال الدين و إتمام النعمة**، وكتاب **التوحيد**، وكتاب **الأمالي و المجالس**، وكتاب **ثواب الأعمال** و كتاب **عقاب الأعمال**، وكتاب **معاني الأخبار**، وكتاب **الهداية**، ورسالة **العقائد**، وكتاب **صفات الشيعة**، وكتاب **فضائل الشيعة**، وكتاب **مصادقة الإخوان**، وكتاب **المقنع**.

وكتاب **قرب الإسناد**، وكتاب **بصائر الدرجات الصفار**، وكتاب **مجالس الشيخ الشهير بالأمالي**، وكتاب **الغيبة**، وكتاب **المصباح الكبير**، و كتاب **المصباح الصغير**، وكتاب **الإرشاد**، وكتاب **المجالس**، وكتاب **النصوص**، وكتاب **الاختصاص** ورسالة **مسار الشيعة في مختصر التواريخ الشرعية**، وكتاب **المقنعة**، وكتاب **العيون و المحاسن المشتهر بالفصول**، وكتاب **المقالات**، وكتاب

المزار، وكتاب إيمان أبي طالب، ورسائل ذبائح أهل الكتاب والمتعة، وسهو النبي ونومهﷺ عن الصلاة، و تزويج أمير المؤمنينعليه السلام بنته من عمر، وأجوبة المسائل السروية والعكبرية والإحدي والخمسين، وشرح عقائد الصدوق، وكتاب كامل الزيارة، وكتاب المحاسن والآداب، وكتاب التفسير لعلي بن إبراهيم بن هاشم، وكتاب مجالس ابن الشيخ الشهير بالأمالي، وكتاب التفسير للعياشي، وكتاب التفسير المنسوب للإمام العسكريعليه السلام، وكتاب روضة الواعظين و تبصرة المتعظين.

وكتاب إعلام الورى بأعلام الهدى، ورسالة الآداب الدينية، وكتاب تفسير مجمع البيان، وكتاب تفسير جامع الجوامع، وكتاب مكارم الأخلاق، وكتاب مشكاة الأنوار، وكتاب الاحتجاج، وكتاب المناقب، وكتاب معالم العلماء، وكتاب بيان التنزيل، ورسالة متشابه القرآن.

/٣ ب/، وكتاب كشف الغمة، وكتاب تحف العقول، وكتاب العمدة، وكتاب المستدرك، وكتاب كفاية الأثر في النصوص على الأئمة الاثني عشر، وكتاب تنبيه الخاطر ونزهة الناظر، وكتاب مشارق الأنوار، وكتاب الألفين للحافظ رجب البرسي، وكتاب الذكرى وكتاب الدروس للشهيد، وكتاب القواعد الشهيدية، وكتاب البيان، وكتاب الألفية، وكتاب النفلية، وكتاب نكت الإرشاد، وكتاب المزار، ورسالة الإجازات، وكتاب اللوامع، وكتاب الأربعين، وكتاب الدرر والغرر، وكتاب تنزيه الأنبياء، وكتاب الشافي، وكتاب الذريعة، وكتاب الانتصار، وكتاب جمل العلم و العمل، وكتاب شرح قصيدة السيد الحميري، وكتاب المقنع في الغيبة، ورسالة تفضيل الأنبياء على الملائكة، ورسالة المحكم والمتشابه، وكتاب منقذ البشر من أسرار القضاء والقدر، وأجوبة المسائل المختلفة للمرتضى، وكتاب عيون المعجزات، وكتاب نهج البلاغة، وكتاب خصائص الأئمة، وكتاب المجازات النبوية، وكتاب طب الأئمةعليهم السلام، وكتاب صحيفة الرضا وكتاب طب الرضاعليه السلام، وكتاب المسائل، وكتاب الخرائج والجرائح، وكتاب قصص الأنبياء، وكتاب فلاح السائل، وكتاب فقه القرآن، وكتاب الدعوات، وكتاب اللباب، وكتاب شرح نهج البلاغة للشيخ قطب الدين الراوندي، وكتاب أسباب النزول، وكتاب ربيع الشيعة، وكتاب أمان الأخطار، وكتاب سعد السعود، وكتاب كشف اليقين، وكتاب الطرائف.

/۴ الف/ وكتاب الدروع الواقية، وكتاب فتح الأبواب في الاستخارة، وكتاب فرج المهموم بمعرفة منهج الحلال و الحرام من علم النجوم، وكتاب جمال الأسبوع، وكتاب إقبال الأعمال، وكتاب فلاح السائل، وكتاب مهج الدعوات، وكتاب مصباح الزائر، وكتاب كشف المحجة لثمرة المهجة،

وكتاب الملهوف على أهل الطفوف، وكتاب غياث سلطان الورى، وكتاب المجتنى، وكتاب الطرف، وكتاب التحصين في أسرار ما زاد على كتاب اليقين، وكتاب الإجازات، ورسالة محاسبة النفس، وكتاب زوائد الفوائد، وكتاب فرحة الغري، وكتاب الرجال لأحمد بن طاووس، وكتاب بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية، وكتاب عين العبرة في غبن العترة، وكتاب تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، وكتاب كنز جامع الفوائد، وكتاب غوالي اللئالي، وكتاب نثر اللئالي، وكتاب جامع الأخبار، وكتاب الغيبة، وكتاب الروضة، وكتاب التوحيد، وكتاب الإهليلجة وكتاب التفسير الذي رواه الصادق عن أمير المؤمنين عليه السلام، وكتاب ناسخ القرآن ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه، وكتاب سليم بن قيس الهلالي، وكتاب قبس المصباح، وكتاب الصراط المستقيم، و رسالة الباب المفتوح إلى ما قيل في النفس والروح كلاهما، وكتاب المحتضر، وكتاب الرجعة، وكتاب السرائر، وكتاب إرشاد القلوب، وكتاب أعلام الدين في صفات المؤمنين، وكتاب غرر الأخبار ودرر الآثار، والكتاب الغروي، وكتاب بشارة المصطفى لشيعة المرتضى.

/٤ب/ وكتاب الزهد، وكتاب أصل من أصول للحسين بن سعيد الأهوازي، وكتاب العيون والمحاسن للشيخ علي بن محمّد الواسطي، وكتاب غرر الحكم ودرر الكلم، وكتاب جنة الأمان الواقية المشتهر بمصباح الكفعمي، وكتاب البلد الأمين، وكتاب صفوة الصفات في شرح دعاء السمات، وكتاب قضاء حقوق المؤمنين، وكتاب الأنوار المضيئة من الأنوار المضيئة، وكتاب السلطان المفرّج عن أهل الإيمان، وكتاب الدر النضيد في تغازي الإمام الشهيد، وكتاب عدة الداعي لابن فهد، وكتاب المهذّب، وكتاب التحصين، وكتاب الجنة الواقية لبعض المتأخرين، وكتاب منهاج الصلاح في الدعوات وأعمال السنة، وكتاب كشف الحق ونهج الصدق، وكتاب اليقين في الإمامة، وكتاب منتهى المطلب، وكتاب التذكرة، وكتاب المختلف، وكتاب منهاج الكرامة، وكتاب شرح التجريد، وكتاب شرح الياقوت، وكتاب إيضاح الاشتباه، وكتاب نهاية الاصول، وكتاب نهاية الكلام، وكتاب نهاية الفقه، وكتاب التحرير، وكتاب القواعد، وكتاب الألفين، وكتاب تلخيص المرام، وكتاب إيضاح مخالفة أهل السنة للكتاب والسنة، و الرسالة السعدية، وكتاب خلاصة الرجال، وكتاب العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، وكتاب مثير الأحزان، وكتاب شرح الثار المشتمل على أحوال المختار، وكتاب إيمان أبي طالب عليه السلام، وكتاب غرر الدرر للسيد حيدر، وكتاب المزار الكبير في الزيارات، وكتاب النصوص، وكتاب معدن الجواهر، وكتاب كنز الفوائد، ورسالة تفضيل أمير المؤمنين عليه السلام

للكراجكي.

/٥الف/ وكتاب الفهرست للشيخ منتجب الدين، وكتاب الأربعين عن الأربعين، وكتاب تحفة الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، وكتاب المناقب، وكتاب الوصية، وكتاب مروج الذهب كلاهما، وكتاب النوادر للراوندي، وكتاب أدعية السر، وكتاب الفضائل، وكتاب إزاحة العلة في معرفة القبلة، وكتاب الصفين، وكتاب مقتضب الأثر في الأئمة الاثني عشر عليهم السلام، وكتاب مسالك الأفهام، وكتاب الروضة البهية، وكتاب شرح الألفية، وكتاب شرح النفلية وكتاب غاية المراد، وكتاب منية المريد، وكتاب أسرار الصلاة، و رسالة وجوب صلاة الجمعة، و رسالة أعمال يوم الجمعة، وكتاب مسكن الفؤاد، و رسالة الغيبة وكتاب تمهيد القواعد، وكتاب الدراية، وكتاب شرح الدراية، وكتاب المعتبر، وكتاب الشرائع، وكتاب النافع، وكتاب نكت النهاية، وكتاب الأُصول، وكتاب شرح نهج البلاغة للميثمي، وكتاب الاستغاثة في بدع الثلاثة، وكتاب التفسير للشيخ فرات، وكتاب الأخبار المسلسلة، وكتاب الأعمال المانعة من الجنة، وكتاب العروس، وكتاب الغايات، وكتاب نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه والنظائر، وكتاب جامع الشرائع، وكتاب الوسيلة، وكتاب منتقى الجمان، وكتاب معالم الدين، وكتاب مدارك الأحكام، وكتاب شرح النافع، وكتاب الحبل المتين، وكتاب مشرق الشمسين، وكتاب الأربعين، وكتاب مفتاح الفلاح، وكتاب الكشكول، وكتاب الفوائد المدنية.

/٥ب/ وكتاب الفوائد المكية، وكتاب الاختيار، وكتاب تقريب المعارف في الكلام، وكتاب الكافي في الفقه، وكتاب المهذب، وكتاب الكامل، وكتاب جواهر الفقه، وكتاب المراسم العلية، وكتاب دعائم الإسلام، وكتاب المناقب والمثالب، وكتاب الهداية، وكتاب تاريخ الأئمة، وكتاب البرهان، ورسالة أبي غالب الزراري، وكتاب دلائل الإمامة، وكتاب مصباح الأنوار في مناقب إمام الأبرار، وكتاب الدر النظيم في مناقب الأئمة اللهاميم، وكتاب الأربعين عن الأربعين، وكتاب مقتل الموسوم بتسلية المجالس وزينة المجالس، وكتاب صفوة الأخبار، وكتاب رياض الجنان، وكتاب غنية النزوع في علمي الأُصول والفروع للسيد العالم الكامل أبي المكارم حمزة بن علي بن زهرة الحسيني، وكتاب التجريد، وكتاب الفصول، وكتاب كنز الفوائد في حل مشكلات القواعد، وكتاب تبصرة الطالبين في شرح نهج المسترشدين، و كتاب كنز العرفان وكتاب الأدعية الثلاثين وكتاب الإيضاح، وكتاب أضواء الدرر الغوالي، وكتاب أسرار اللاهوت في وجوب لعن الجبت والطاغوت، وكتاب إحقاق الحق، وكتاب مصائب النواصب، وكتاب الصوارم المهرقة في دفع الصواعق المحرقة،

وكتاب رجال ابن داوود، وكتاب رجال ابن الغضائري، وكتاب الملحمة المنسوب إلى الصادق عليه السلام، وكتاب الملحمة المنسوب إلى دانيال عليه السلام، وكتاب الأنوار، وكتاب مقتل أمير المؤمنين عليه السلام، وكتاب وفاة فاطمة عليها السلام، وكتاب بلاغات النساء، وكتاب منهج المقال في تحقيق أحوال الرجال المشتهر بالكبير والوسيط والصغير، وكتاب تفسير آيات الأحكام، وكتاب ديوان أمير المؤمنين عليه السلام، وكتاب شهاب الأخبار.

/٦الف/ وكتاب شرح شهاب الأخبار، وكتاب التفسير الكبير كلاهما للشيخ أبي الفتوح الرازي، وكتاب الأنوار البدرية في رد شبه القدرية، وكتاب تاريخ بلدة قم، وكتاب أجوبة مسائل عبد الله بن سلام، وكتاب طبّ النبي صلى الله عليه وآله، وكتاب شرح الإرشاد لأردبيلي، وكتاب تفسير آيات الأحكام، وحاشية شرح إلهيات التجريد، وكتاب العين، وكتاب المحيط في اللغة، وكتاب شواهد التنزيل، وكتاب مقصد الراغب الطالب في فضائل علي بن أبي طالب، وكتاب عمدة الطالب في نسب آل أبي طالب، وكتاب الشيخ الأجل الدوريستي، وكتاب الكر والفر، وكتاب فضائل رجب الصدوق، وكتاب فضائل شعبان الصدوق، وكتاب فضائل شهر رمضان له عليه السلام، وكتاب بصائر الدرجات الكبرى.[1]

[الكتب العامة]

و أمّا الكتب العامّية قد ينقل في هذا الكتاب منها للردّ عليهم و نحوه، فهي هذه:

كتاب جامع الأصول، وكتاب الشفا للقاضي عياض، وكتب الصحاح الستة، وكتاب المنتقى في مولود المصطفى للكازروني، وكامل التواريخ لابن الأثير، وكتاب الكشف والبيان في تفسير القرآن للثعلبي، وكتاب العرائس له، وكتاب مقاتل الطالبيين لأبي الفرج الأصبهاني، وكتاب الأغاني له أيضاً، وكتاب الاستيعاب لابن عبد البر، وكتاب فردوس الأخبار لابن شيرويه الديلمي.

/٧ب/ وكتاب ذخائر العقبى في مناقب أولي القربى للسيوطي، وكتاب تاريخ الفتوح للأعثم الكوفي، وكتاب تاريخ الطبري، وكتاب تاريخ ابن خلكان، وكتاب شرح المواقف، وكتاب شرح المقاصد، وكتاب تاريخ ابن قتيبة، وكتاب المقتل للشيخ أبي مخنف، وكتاب أخلاق النبي

---

١. از نیمهٔ برگ «٦الف» تا نیمهٔ برگ «٧الف» مؤلف به ذکر کتاب‌هایی که با واسطه از آنها نقل نموده، پرداخته است.

وشمائله عليه السلام وكتاب الفرج بعد الشدة للقاضي التنوخي، وكتاب تفسير معالم التنزيل للبغوي، وكتاب حياة الحيوان للدميري، وكتاب زهر الرياض وزلال الحياض تأليف السيد الفاضل الحسن بن علي بن شدقم الحسيني المدني، والظاهر أنه كان من الإمامية، وهو تاريخ حسن مشتمل على أخبار كثيرة، وكتاب جواهر المطالب في فضائل مولانا علي بن أبي طالب عليه السلام وكتاب المنتظم لابن الجوزي، وكتاب شرح نهج البلاغة لعبد الحميد بن أبي الحديد، وكتاب الفصول المهمة في معرفة الائمة، وكتاب مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، وكتاب الصواعق المحرقة لابن حجر، والتقريب له، وكتاب مناقب الخوارزمي، وكتاب مناقب المغازلي، وكتاب المشكاة، وكتاب المصابيح، وكتاب مسند أحمد بن حنبل، وكتاب التفسير الكبير للفخر الرازي، وكتاب نهاية العقول، والأربعين، والتفسير البسيط والوسيط، وأسباب النزول، والكشّاف، و تفسير النيسابوري، و[تفسير] البيضاوي، والدر المنثور، وغير ذلك.

[القسم الثاني من المقدمة]

و هذه هي الكتب على الإجمال، و أمّا بيان الاعتماد عليها و اسم مؤلّفيها

فنقول: الكتب الأربعة واضحة.

و العيون و العلل و إكمال الدين و كتاب التوحيد كل هذه تأليف الشيخ الصدوق محمّد بن علي بن بابويه القمي رحمه الله.

و كتاب الخصال تأليف الشيخ الصدوق أيضاً؛ قال الفاضل المجلسي:

> عرضناه على نسختين قديمتين كان على إحداهما إجازة الشيخ مقداد، وكذا كتاب إكمال الدين استنسخناه من كتاب عتيق كان تاريخ كتابتها قريباً من زمان المؤلّف، وكذا العيون فإنا صحّحنا الجزء الأول منه من كتاب مصحح قيل إنه بخط مصنفه رحمه الله، وظني أنه لم يكن بخطه، ولكن كان عليه خطه و تصحيحه.[1]

و الأمالي، والمجالس، و ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، وكتاب معاني الأخبار، و رسالة العقائد تأليفات الشيخ الصدوق محمّد بن علي بن بابويه أيضاً داخلة في إجازات شيوخنا، و نقل منها من تأخر عن الصدوق من الأفاضل الأخيار.

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٦.

و **الهداية** هو تأليف الصدوق أيضاً، و هو دون /٨الف/ الكتب السالفة، فإنه ليس في الاشتهار كهذه الكتب.

و كتب الشيخ أيضاً من الكتب المشهورة إلا كتاب **الأمالي**؛ فإنه ليس في الاشتهار كسائر كتبه؛ قال المجلسي:

لكن وجدنا منه نسخاً قديمة عليها إجازات الأفاضل، ووجدنا ما نَقَلَ عنه المحدثون والعلماء بعده موافقاً لما فيه.[١]

و **أمالي ابن الشيخ** أشهر بين المتأخرين من **أمالي** والده ﷺ، وأكثر الناس يزعمون أنه **أمالي الشيخ** وليس كذلك؛ كما ظهر من القرائن الجلية، ولكن **أمالي** ولده لا يقصر عن **أماليه** في الاعتبار والاشتهار، وإن كان **أمالي الشيخ** عندي أصحّ وأوثق.

وكتاب **قرب الإسناد** للشيخ الثقة أبي جعفر محمّد بن عبد الله بن جعفر بن الحسين بن جامع بن مالك الحميري القمي، والمظنون لبعض الأصحاب أنّ الكتاب لوالده وهو راوٍ له، كما صرّح به النجاشي، وإن كان الكتاب له ـ كما صرح به ابن إدريس ـ فالوالد متوسط بينه وبين ما أوردناه من أسانيد كتابه. و بالجملة الكتاب من الأُصول المعتبرة المشهورة، وكتبه الفاضل المجلسي من نسخة قديمة مأخوذة من خط الشيخ محمّد بن إدريس، وكان عليها صورة خطّه هكذا:

الأصل الذي نقلته منه كان فيه لحن صريح وكلام مضطرب، فصوّرته على ما وجدته خوفاً من التغيير والتبديل، فالناظر فيه يمهّد العذر فقد بيّنت عذري فيه.[٢]

وكتاب **بصائر الدرجات** تأليف الشيخ الثقة الجليل القدر و العظيم الشأن محمّد بن الحسن الصفار، و هو من الأُصول المعتبرة التي روى عنها الكليني وغيره.

وكتاب **الإرشاد** تأليف الشيخ الجليل المفيد محمّد بن محمّد بن النعمان، و هو أشهر من مؤلفه ﷺ.

و **المجالس** [تأليف] المفيد قال الفاضل المجلسي:

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٧.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٧.

وجدنا منه نسخاً عتيقة، والقرائن تدلّ على صحّته.[1]

و **الاختصاص** تأليف المفيد، و هو كتاب لطيف مشتمل على أحوال أصحاب النبي ﷺ والأئمة عليهم السلام، وفيه أخبار غريبة، قال الفاضل المجلسي:

ونقلته من نسخة عتيقة، وكان مكتوباً على عنوانه: «كتاب مستخرج من كتاب **الاختصاص** تصنيف أبي علي أحمد بن الحسين بن أحمد بن عمران رحمه الله. لكن كان بعد الخطبة هكذا: قال محمّد بن محمّد بن النعمان: «حدثني أبو غالب أحمد بن محمّد الزراري وجعفر بن محمّد بن قولويه إلى آخر السند» وكذا إلى آخر الكتاب يبتدئ من مشايخ الشيخ المفيد، فالظاهر أنه من مؤلّفات المفيد رحمه الله.[2]

و**النصوص**، ورسالة **مسار الشيعة في مختصر التواريخ الشرعية**، وكتاب **المقنعة**، وكتاب **العيون والمحاسن** المشتهر بـ**الفصول**، وكتاب **المقالات**، وكتاب **المزار**، وكتاب **إيمان أبي طالب**، ورسائل **ذبائح أهل الكتاب والمتعة**، **وسهو النبي ونومه** صلى الله عليه وآله **عن الصلاة**، **و تزويج أمير المؤمنين** عليه السلام **بنته من عمر**، **وأجوبة المسائل السروية والعكبرية**، **والإحدي والخمسين**، **وشرح عقائد الصدوق**، كل هذه من تأليفات الشيخ الجليل النبيل المفيد محمّد بن محمّد بن النعمان ـ قدّس الله سرّه ـ و لا ريب، فيكون كل منها ممّا يُعتمد عليه في النقل لجلالة مؤلفها.

/٨ب/ وكتاب **كامل الزيارة** تأليف الشيخ الجليل الثقة أبي القاسم جعفر بن محمّد بن جعفر بن موسى بن قولويه، و هو من الأُصول المعروفة، وأخذ منه الشيخ في **التهذيب** وغيره من المحدّثين.

وكتاب **المحاسن** تأليف الشيخ الكامل الثقة أحمد بن محمّد بن خالد البرقي، و هو من الأُصول المعتبرة، وقد نقل عنه الكليني وكل من تأخّر عنه من المؤلفين.

وكتاب **تفسير علي بن إبراهيم** بن هاشم القمي من الكتب المعروفة، وروى عنه الطبرسي وغيره.

وكتاب **تفسير العياشي** تأليف محمّد بن مسعود السلمي المعروف بالعياشي، روى عنه الطبرسي وغيره؛ قال المجلسي:

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٧.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٧.

رأينا منه نسختين قديمتين، وعدّ في كتب الرجال من كتبه، لكن بعض الناسخين حذف أسانيده للاختصار، وذكر في أوّله عذراً هو أشنع من جرمه الذي أجرمه.[١]

وكتاب **تفسير الإمام** المنسوب إلى الإمام الهمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام من الكتب المعروفة، واعتمد الصدوق عليه وأخذ منه، وإن طعن فيه بعض المحدثين، ولكن الصدوق عليه السلام أعرف وأقرب عهداً ممن طعن فيه، وقد روى عنه أكثر العلماء من غير غمز فيه.

وكتاب **روضة الواعظين** تأليف الشيخ محمّد بن علي بن أحمد الفارسي، وأخطأ جماعة ونسبوه إلى الشيخ المفيد، وقد صرّح بما ذكرناه ابن شهر آشوب في **المناقب**، والشيخ منتجب الدين في **الفهرست**، والعلّامة عليه السلام في رسالة **الإجازة** وغيرهم. وذكر العلامة سنده إلى هذا الكتاب. ثم إنّ العلّامة صرّح باسم مؤلفه كما ذكرناه، و كلام ابن شهر آشوب يدلّ على أنّ مصنفه محمّد بن الحسن بن علي الفتال الفارسي، و صريح في وحدة مؤلف **الروضة** و **التفسير**. و كلام الشيخ منتجب الدين في **فهرست** صريح في تغايرهما و تعددهما حيث قال:

> محمّد بن علي الفتّال النيسابوري صاحب **التفسير** ثقة وأي ثقة! وقال ـ بعد فاصلة كثيرة ـ: الشيخ الشهيد محمّد بن أحمد الفارسي مصنف كتاب **روضة الواعظين**.[٢]

وقال ابن داوود في كتاب **الرجال**:

> محمّد بن أحمد بن علي الفتّال النيسابوري المعروف بابن الفارسي لم، جخ: متكلم، جليل القدر، فقيه، عالم، زاهد، ورع، قتله أبو المحاسن عبد الرزاق رئيس نيسابور الملقب بشهاب الإسلام ـ لعنه الله ـ انتهى.[٣]

والظاهر من كلامه أن اسم أبيه أحمد. و لا يخفى أنه سهىٰ فيما نسبه إلى **رجال الشيخ**؛ إذ لم نجد أثراً منه مع تأخر زمان هذا الرجل بكثير عن زمان الشيخ؛ كما هو الظاهر من **فهرست الشيخ منتجب الدين**، و كما هو المفهوم من كلام ابن شهر آشوب و**إجازة العلامة**، و بالجملة ما نقلنا ينادي بجلالة المؤلف و بشهرة كتابه كالكتب المشهورة عند الطائفة.

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٨.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٨.
٣. بحار الأنوار، ج ١، ص ٩.

و كتاب **إعلام الورى** ورسالة **الآداب الدينية** و تفسير **مجمع البيان** و تفسير **جوامع الجامع** تأليفات للشيخ أمين الدين /٩الف/ أبي علي الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسي المجمع على جلالته وفضله وثقته، و كان عند الفاضل المجلسي نسخة **إعلام الورى** بخط مؤلفه، و رسالة **الآداب** أيضاً مشهورة أخذ عنها ولده في **المكارم**، و كتاب **مكارم الأخلاق** منسوب إلى الشيخ أبي علي وهو غير صواب، بل هو تأليف أبي نصر الحسن بن الفضل ابنه؛ كما صرّح به ولده الخلف في كتاب **مشكاة الأنوار**، وكما هو من كلام الكفعمي فيما ألحق بـ**الدروع الواقية**، وفي **البلد الأمين**. و بالجملة **المكارم** في الاشتهار كالشمس في رابعة النهار، قد أثنى على مؤلفه جماعة من الأخيار.

وكتاب **مشكاة الأنوار** تأليف ولد الشيخ أبي علي الطبرسي، و كان غرضه منه تتميم تأليف والده **مكارم الأخلاق** و هو كتاب ظريف مشتمل على أخبار غريبة.

وكتاب **الاحتجاج**، وينسب إلى أبي علي الطبرسي وهو خطاء، بل هو تأليف أبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي؛ كما هو المصرَّح في كتاب **كشف المحجة** تأليف السيد ابن طاووس، وكما في **معالم العلماء** تأليف ابن شهر آشوب. و بالجملة روايات **الاحتجاج** معروفة متداولة وإن كان أكثر أخباره مراسيل، وأثنى على الكتاب و مؤلفه السيد ابن طاووس وقد أخذ عنه أكثر المتأخرين.

وكتاب **المناقب**، وكتاب **معالم العلماء**، وكتاب **بيان التنزيل**، ورسالة **متشابه القرآن**، كل هذه الأربعة تأليف الشيخ الفقيه رشيد الدين أبي جعفر محمّد بن علي بن شهر آشوب المازندراني، و كلها من الكتب المعتبرة سيّما **المعالم** و **المناقب** وقد ذكرهما أصحاب الإجازات، ولا يخفى فضل مؤلفهما وجلالته، و**بيان التنزيل** كتاب صغير الحجم كثير الفوائد.

وكتاب **كشف الغمة** تأليف الشيخ الثقة الزكي علي بن عيسى الإربلي، و هو من أشهر الكتب، ومصنفه من العلماء الإمامية المذكورين في سند الإجازات.

وكتاب **تحف العقول** تأليف الشيخ أبي محمّد الحسن بن علي بن شعبة قال الفاضل المجلسي:

عثرنا منه على كتاب عتيق، ونظمه يدل على رفعة شأن مؤلفه، وأكثره في المواعظ والأُصول

المعلومة التي لا نحتاج فيها إلى سند.[١]

وكتاب **العمدة** وكتاب **المستدرك** تأليفان في أخبار المخالفين في الإمامة، للشيخ أبي الحسين يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمّد بن البطريق الأسدي، وهو و تأليفه معروفان مذكوران في أسانيد الإجازات، وأما **المستدرك** فكان عند الفاضل المجلسي نسخة قديمة يظن أنها بخط مؤلفها.

وكتاب **الكفاية** ويقال له **كفاية الأثر في النصوص على الأئمة الاثني عشر** تأليف الشيخ السعيد علي بن محمّد بن علي الخزاز القمي، وهو كتاب شريف لم ير تأليف مثله في الإمامة، وهذا الكتاب ومؤلفه مذكوران في إجازة العلّامة وغيرها، والتأليف ينادي بفضيلة المؤلف، /٩ب/ ووثّق العلّامة في **الخلاصة** مؤلفه فقال:

كان ثقة من أصحابنا فقيها وجهاً.[٢]

وقال ابن شهر آشوب في **المعالم**:

علي بن محمّد بن علي الخزاز الرازي ويقال له: القمي، وله كتب في الكلام وفي الفقه، من كتبه: **الكفاية في النصوص**.[٣]

وكتاب **تنبيه الخاطر** تأليف الشيخ الزاهد ورّام بن عيسى بن أبي النجم بن ورّام بن حمدان بن خولان بن إبراهيم بن مالك الأشتر، والسند إلى هذا الكتاب مذكور في الإجازات، وذكر الشيخ منتجب الدين في **الفهرست**:

إنه عالم، فقيه، صالح، شاهدته بحلة، ووافق الخبر الخبرة. وأثنى عليه السيد ابن طاووس.[٤]

لكنه ﷺ لما كان كتابه مقصوراً على المواعظ والحكم لم يميّز الغثّ من السمين، وخلط أخبار الإمامية بآثار المخالفين، ولذا ما ذكر الفاضل المجلسي في **البحار**[٥] جميع ما في ذلك الكتاب، بل اقتصر على نقل ما هو أوثق؛ لعدم الافتقار ببركة الأئمة الطاهرين ﷺ إلى أخبار المخالفين.

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٩.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٩.
٣. المصدر السابق.
٤. بحار الأنوار، ج ١، ص ١٠.
٥. المصدر السابق.

وكتاب **مشارق الأنوار** وكتاب **الألفين** تأليفان للحافظ رجب البرسي، ولا اعتماد على ما يتفرد بنقله؛ لاشتمال الكتابين على ما يوهم الخبط والخلط والارتفاع، والذي مذكور في كتابنا منه إنما هو ممّا يوافق الأخبار المأخوذة من الأُصول المعتبرة.

وكتاب **الذكرى**، وكتاب **الدروس**، وكتاب **القواعد**، وكتاب **البيان**، وكتاب **الألفية**، وكتاب **النفلية**، وكتاب **نكت الإرشاد**، وكتاب **المزار**، ورسالة **الإجازات**، وكتاب **اللوامع**، وكتاب **الأربعين**، وكتاب **الاستدراك**، وكتاب **الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة**، كل هذه الكتب الثلاثة عشر تأليف الشيخ العلامة السعيد الشهيد محمّد بن مكي ـ قدس الله روحه ـ، وهي كتب مشهورة إلّا كتاب **الاستدراك** فأنا لم أظفر بأصله، و إنما الموجود منه أخبار مأخوذة منه بخط الشيخ الفاضل محمّد بن علي الجبعي، وذكر أنه نقلها من خط الشهيد ﷺ، وإلّا الدرّة الباهرة لعدم اشتهاره كسائر الكتب، وهو مقصور على إيراد كلمات وجيزة مأثورة عن النبي ﷺ وكل من الأئمة عليهم السلام.

وكتاب **الدرر والغرر**، وكتاب **تنزيه الأنبياء**، وكتاب **الشافي**، وكتاب **شرح قصيدة السيد الحميري**، وكتاب **جمل العلم والعمل**، وكتاب **الانتصار**، وكتاب **الذريعة**، وكتاب **المقنع في الغيبة**، ورسالة **تفضيل الأنبياء على الملائكة**، ورسالة **المحكم والمتشابه**، و**أجوبة المسائل المختلفة**، كل هذه الكتب الإحدى عشر تأليف السيد المرتضى علم الهدى أبي القاسم علي بن الحسين الموسوي ـ قدس الله روحه ـ، و هي مشهورة كمؤلفها غاية الاشتهار.

وكتاب **عيون المعجزات** ينسب إلى السيد المرتضى وهو غير ثابت، إلّا أنه كتاب لطيف، ولعله من تأليفات بعض قدماء المحدّثين يروي عن أبي علي محمّد بن همام، وعن محمّد بن علي /١٠ الف/ بن إبراهيم.

وكتاب **نهج البلاغة**، وكتاب **خصائص الأئمة**، وكتاب **المجازات النبوية**، كل هذه الكتب الثلاثة للسيد الرضي محمّد بن الحسين الموسوي ﷺ و لا يحتاج إلى بيان الوثوق بها لشهرتها.

وكتاب **طب الأئمة** عليهم السلام تأليف أبي عتاب عبد الله بن بسطام بن سابور الزيّات وأخيه الحسين بن بسطام، ذكرهما النجاشي من غير توثيق، وذكر أن لهما كتاباً جمعاه في الطب. وبالجملة هو من الكتب المعروفة لكنه ليس في درجة سائر الكتب؛ لجهالة

مؤلفيه، لكن قليل منه يتعلق بالأحكام الفرعية، وفي الأدوية والأدعية لا يحتاج إلى الأسانيد القوية.

وكتاب **صحيفة الرضا** المسندة إلى شيخنا أبي علي الطبرسي ﷺ، بإسناده إلى الرضا عليه السلام، ويظهر من كلام الزمخشري في كتاب **ربيع الأبرار** أنّ مؤلفها يحيى بن الحسين الحسيني. وأشار النجاشي في ترجمة عبد الله بن أحمد بن عامر الطائي وترجمة والده راوي هذه الرسالة إليها ومدحها وذكر سنده إليها، و روى السيد الجليل علي بن طاووس عنها بسنده إلى الشيخ الطبرسي. وبالجملة هي من الأُصول المعروفة ويصح التعويل عليها.

وكتاب **طب الرضا** عليه السلام كتبه للمأمون، وهو معروف بالرسالة الذهبية من الكتب المعروفة.

وذكر الشيخ منتجب الدين في **الفهرست**: أن السيد فضل الله بن علي الراوندي كتب عليه شرحاً سمّاه **ترجمة العلوي للطب الرضوي**.[1]

وقال ابن شهر آشوب في **المعالم** في ترجمة محمّد بن الحسن بن جمهور القمي:

له الملاحم والفتن الواحدة والرسالة الذهبية عن الرضا عليه السلام في الطب. انتهى.[2]

وكتاب **فقه الرضا** عليه السلام؛ قال الفاضل المجلسي:

أخبرني به السيد الفاضل المحدث القاضي أمير حسين ـ طاب ثراه ـ بعد ما ورد أصفهان و قال: قد اتفق في بعض سني مجاورتي في جوار بيت الله الحرام أن أتاني جماعة من أهل قم حاجين، وكان معهم كتاب قديم يوافق تاريخه عصر الرضا عليه السلام وسمعت الوالد رحمه الله أنه قال: سمعت السيد يقول: كان عليه خطه صلوات الله عليه، وكان عليه إجازات جماعة كثيرة من الفضلاء، وقال السيد: حصل لي العلم بتلك القرائن أنه تأليف الإمام عليه السلام، فأخذت الكتاب وكتبته وصحّحته.

فأخذ والدي ـ قدس الله روحه ـ هذا الكتاب من السيد واستنسخه وصححه، وأكثر عباراته موافق لما يذكره الصدوق أبو جعفر بن بابويه في كتاب **من لا يحضره الفقيه** من غير سندٍ، وما يذكره والده في رسالته إليه، وكثير من الأحكام التي ذكره أصحابنا ولا يعلم مستندها

---

١. **بحار الأنوار**، ج ١، ص ٣٥.
٢. المصدر السابق.

مذكورة فيه.[1]

وكتاب **المسائل** المشتمل على جلّ ما سأله السيد الشريف الجليل النبيل علي بن الإمام الصادق جعفر بن محمّد أخاه الكاظم عليه السلام، و أحاديثه موافقة لما في الكتب المتداولة، وراويه أشهر من أن يخفى حاله وجلالته على أحد.

وكتاب **الخرائج والجرائح** تأليف الشيخ الإمام قطب الدين أبي الحسن سعيد /۱۰ ب/ بن هبة الله بن الحسن الراوندي، وهو معلوم الانتساب إلى مؤلفه الذي هو من أفاضل الأصحاب وثقاتهم، مذكور في فهارس العلماء، ونقل الأصحاب عنه.

وكتاب **فقه القرآن** وكتاب **قصص الأنبياء** تأليفان له أيضاً، و الأوّل منهما مذكور في فهارست العلماء، ونقل الأصحاب عنه.

والثاني له أيضاً، ولا يبعد أن يكون تأليف فضل الله بن علي بن عبيدالله الحسني الراوندي كما يظهر من بعض أسانيد السيد ابن طاووس، وقد صرّح بكونه منه في رسالة **النجوم**، وعرضه الفاضل المجلسي على نسخة كان عليها خطّ الشهيد الثاني رحمه الله و تصحيحه.

وكتاب **الدعوات**، وكتاب **اللباب**، وكتاب **شرح نهج البلاغة**، وكتاب **أسباب النزول** كل هذه الثلاثة تأليف القطب الراوندي أيضا، وفي **الدعوات** دعوات موجزة شريفة مأخوذة من الأُصول المعتبرة مع أن الأمر في سند الدعاء هيّن، وكتاب **اللباب** مشتمل على بعض الفوائد، و**شرح النهج** مشهور معروف رجع إليه أكثر الشراح، وفي كتاب **أسباب النزول** فوائد جمّة.

و كتاب **فلاح السائل**، وكتاب **ربيعة الشيعة**، وكتاب **أمان الأخطار**، وكتاب **سعد السعود**، وكتاب **كشف اليقين في تسمية مولانا أمير المؤمنين** عليه السلام، وكتاب **الطرائف**، وكتاب **الدروع الواقية**، وكتاب **فتح الأبواب** في الاستخارة، وكتاب **فرج المهموم بمعرفة منهج الحلال والحرام من علم النجوم**، وكتاب **جمال الأسبوع**، وكتاب **إقبال الأعمال**، وكتاب **مصباح الزائر**، وكتاب **مهج الدعوات**؛ وكتاب **كشف المحجة لثمرة المهجة**، وكتاب **الملهوف على أهل الطفوف**، وكتاب **غياث سلطان الورى**،

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱.

وكتاب **المجتنى**، وكتاب **الطرف**، وكتاب **التحصين في أسرار ما زاد على كتاب اليقين**، وكتاب **الإجازات**، ورسالة **محاسبة النفس**، كل هذه الكتب تأليف السيد النقيب الثقة الزاهد جمال العارفين أبي القاسم علي بن موسى بن جعفر بن محمّد بن طاووس الحسني، و كلها معروف مشهور، وتركنا منها كتاب **ربيع الشيعة**؛ لموافقته لكتاب **إعلام الورى** في جميع الأبواب والترتيب، وهذا مما يفضي منه العجب!

وكتاب **زوائد الفوائد** لولد السيد جمال الدين علي بن الطاووس، و لا نعرف اسمه، و أكثره مأخوذ من **الإقبال**، و بالجملة مما يعتمد عليه في النقل.

وكتاب **فرحة الغري** تأليف السيد المعظّم غياث الدين الفقيه النسّابة عبد الكريم بن أحمد بن موسى بن جعفر بن محمّد بن الطاووس الحسني، و الكتاب من المعروفات.

وكتاب **الرجال**، وكتاب **بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية**، وكتاب **عين العبرة في غبن العترة**، كل هذه الكتب تأليف السيد النقيب الأجل الأفضل أحمد بن موسى بن طاووس صاحب كتاب **البشرى** بشّره الله بالحسنى، و كلها معروف اعتُمد عليه في النقل.

وكتاب **تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة** تأليف الشيخ شرف الدين النجفي، و هو من متأخري الأصحاب، وأكثره مأخوذ من تفسير الشيخ الجليل محمّد بن العباس بن علي بن مروان بن الماهريار /١١ الف/ وذكر النجاشي بعد توثيقه:

> أن له كتاب **ما نزل من القرآن في أهل البيت**، وكان معاصراً للكليني.[١]

قال الفاضل المجلسي:

> رأيت جمعاً من المتأخرين رووا عنه، لكنه ليس في درجة سائر الكتب. وكتاب **كنز جامع الفوائد**، وهو مختصر من كتاب **تأويل الآيات** له أو لبعض من تأخر عنه، و هو أيضاً كالتأويل فيما ذكرناه.[٢]

وكتاب **غوالي اللئالي** وكتاب **نثر اللئالي** كلاهما تأليفان للشيخ الفاضل محمّد بن جمهور الأحساوي، وله تأليفات أُخرى، ومؤلفه مشهور معروف في الفضل، لكنه لم

---

١. **بحار الأنوار**، ج ١، ص ١٣.
٢. **بحار الأنوار**، ج ١، ص ٣١.

يميّز القشر من اللباب، وأدخل أخبار متعصبي المخالفين بين روايات الأصحاب.

وكتاب **جامع الأخبار** وكتاب **النعماني** هما من أجل الكتب، ومؤلف **الجامع** يظن كونه تأليف مؤلف **مكارم الأخلاق**، ويحتمل كونه علي بن سعد الخياط؛ لأنه قال الشيخ منتجب الدين في **فهرسته**:

الفقيه الصالح أبو الحسن علي بن أبي سعد بن أبي الفرج الخياط عالم، ورع، واعظ، له كتاب **الجامع في الأخبار**.[1]

ويظهر من بعض مواضع الكتاب أن اسم مؤلفه محمّد بن محمّد الشعيري، ومن بعضها أنه يروي عن الشيخ جعفر بن محمّد الدوريستي بواسطة، و أخطأ من نسبه إلى الصدوق، بل يروي عن الصدوق بخمس وسائط، و الله أعلم.

وأما مؤلف **النعماني** الذي يقال له كتاب **الغيبة** فهو الشيخ الفاضل الكامل الزكي محمّد بن إبراهيم النعماني تلميذ الكليني، و الكتاب من أجلّ الكتب، وقال الشيخ المفيد رحمه الله في **إرشاده** بعد أن ذكر النصوص على إمامة الحجة ـ عليه وعلى آبائه الصلاة والسلام ـ:

والروايات في ذلك كثيرة قد دوّنها أصحاب الحديث من هذه العصابة في كتبها، فممن أثبتها على الشرح والتفصيل محمّد بن إبراهيم المكنى أبا عبد الله النعماني في كتابه الذي صنفه في **الغيبة**.[2]

وكتاب **الروضة في المعجزات والفضائل** تأليف بعض علماء الشيعة، وأخطأ من نسبه إلى الصدوق؛ لأنّه يظهر منه أنه أُلّف في سنة نيف وخمسين وستمئة، وهو ليس في محل رفيع من الوثوق.

وكتاب **التوحيد** و **الإهليلجة** عن الصادق عليه السلام تأليفان للمفضل بن عمر من أصحاب الصادق عليه السلام و كلاهما مرويان عنه عليه السلام. قال السيد علي بن طاووس في كتاب **كشف المحجة لثمرة المهجة** فيما أوصى إلى ابنه:

انظر كتاب المفضل بن عمر الذي أملاه عليه الصادق عليه السلام فيما خلق الله ـ جل جلاله ـ من

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣١.

الآثار، وانظر كتاب **الإهليلجة** وما فيه من الاعتبار.[١]

وبالجملة سياق الكتابين يدلّ على صحّتهما. وقال ابن شهر آشوب في **المعالم**:

المفضل بن عمر له وصية. وكتاب **الإهليلجة** من إملاء الصادق عليه السلام في التوحيد، ونسب بعض علماء المخالفين أيضا هذا الكتاب إليه.[٢]

وقال النجاشي في ترجمة المفضل:

وله كتاب فكر، كتاب في بدء الخلق والحث على الاعتبار.[٣]

ولعله إشارة إلى **التوحيد**، وعدّ من كتب الحمدان بن المعافا كتاب **الإهليلجة**، ولعل المعنى أنه من مروياته.

وكتاب **مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة** المنسوب إلى مولانا الصادق عليه السلام: وقال السيد علي بن طاووس رحمه الله في كتاب **أمان الأخطار**:

/ب / ويصحب المسافر معه كتاب **الإهليلجة** وهو كتاب مناظرة الصادق عليه السلام للهندي في معرفة الله ـ جل جلاله ـ بطريق غريبة عجيبة ضرورية حتى أقرّ الهندي بالإلهية والوحدانية، ويصحب معه كتاب المفضل بن عمر، الذي رواه عن الصادق عليه السلام في معرفة وجوه الحكمة في إنشاء العالم السفلي وإظهار أسراره، فإنه عجيب في معناه. ويصحب معه كتاب **مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة**، عن الصادق عليه السلام؛ فإنه كتاب شريف لطيف في التعريف بالتسليك إلى الله ـ جل جلاله ـ والإقبال عليه والظفر بالأسرار التي اشتملت عليه، انتهى.[٤]

ثم إنّ في **المصباح** بعض ما يريب اللبيب الماهر، وأُسلوبه لا يشبه سائر كلمات الأئمة وآثارهم، وروى الشيخ في مجالسه عن شقيق البلخي عمّن أخبره من أهل العلم، و هذا يدلّ على أنه كان عند الشيخ رحمه الله وفي عصره وكان يأخذ منه، و لكنه لا يثق به كل الوثوق، ولم يثبت عنده كونه مروياً عن الصادق عليه السلام، وأنّ سنده ينتهي إلى الصوفية، ولذا اشتمل على كثير من اصطلاحاتهم وعلى الرواية عن مشايخهم ومن يعتمدون عليه في رواياتهم، والله أدرى بالواقع.

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ١٤.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٢.
٣. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٢.
٤. بحار الأنوار، ج ١، ص ١٥.

وكتاب **التفسير** الذي رواه الصادق عن أمير المؤمنين عليه السلام، المشتمل على أنواع آيات القرآن وشرح ألفاظه برواية محمّد بن إبراهيم النعماني، وهو ممن يعتبر بروايته و قوله، ومضامين الكتاب موافق لسائر الأخبار، وأخذ منهما علي بن إبراهيم وغيره من العلماء.

وكتاب **ناسخ القرآن ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه** تأليف الشيخ الثقة الأجل سعد بن عبد الله الأشعري، رواه عنه جعفر بن محمّد بن قولويه، وعده النجاشي من كتب سعد بن عبد الله، وذكر أسانيد صحيحة إلى كتبه.

وكتاب **سليم بن قيس الهلالي** تأليف في غاية الاشتهار وقد طعن فيه جماعة، والحق أنه من الاصول المعتبرة التي يمكن الوثوق بها و الاعتماد عليها.

وكتاب **قبس المصباح** تأليف الشيخ الفاضل أبي الحسن سليمان بن الحسن الصهرشتي، من مشاهير تلامذة شيخ الطائفة، في الدعاء، وهو يروي عن جماعة، منهم: أبو يعلى محمّد بن الحسن بن حمزة الجعفري، وشيخ الطائفة، وأبو الحسين أحمد بن علي الكوفي النجاشي، وأبو الفرج المظفر بن علي بن حمدان القزويني، عن الشيخ المفيد رضي الله عنهم.

وكتاب **الصراط المستقيم** ورسالة **الباب المفتوح إلى ما قيل في النفس والروح**، كلاهما تأليفان للشيخ الجليل زين الدين علي بن محمّد بن يونس البياضي، صالحتان للاعتماد؛ لكون مؤلفهما من العلماء الأمجاد، وتظهر منها غاية المتانة والسداد. وكتاب **منتخب البصائر** وكتاب **المحتضر** وكتاب **الرجعة**، كل هذه تأليف الشيخ الفاضل حسن بن سليمان تلميذ الشهيد رحمه الله، و الأوّل منها منتخب من كتاب **البصائر** لسعد بن عبد الله بن أبي خلف، وذكر فيه من الكتب الأُخرى مع تصريحه بأساميها؛ لئلا يشتبه ما يأخذه عن كتاب سعد بغيره.

وكتاب **السرائر** تأليف الشيخ الفاضل الثقة العلّامة محمّد بن إدريس الحلي، وقد أورد في آخر ذلك الكتاب باباً مشتملاً على الأخبار، وذكر أني استطرفته من كتب /۱۲ الف/ المشيخة المصنفين والرواة المحصلين، ويذكر اسم صاحب الكتاب، ويورد بعده الأخبار المنتزعة من كتابه، وفيه أخبار غريبة وفوائد جليلة، و لا شك في

الوثوق به.

وكتاب **إرشاد القلوب** وكتاب **أعلام الدين في صفات المؤمنين** وكتاب **غرر الأخبار ودرر الآثار**، كل هذه تأليف الشيخ العارف أبي محمّد الحسن بن محمّد الديلمي، وكتاب **الإرشاد** كتاب لطيف مشتمل على أخبار متينة غريبة.

و**الكتاب الغروي** غير معروف، و إنما وجده الفاضل المجلسي في الغري، و الظاهر أنه تأليف بعض قدماء الأصحاب، وهو كتاب يشتمل على أدعية كاملة بليغة غريبة يشرق من كل منها نور الإعجاز والإفهام، وكل فقرة من فقراتها شاهد عدل على صدورها عن أئمة الأنام وأُمراء الكلام، وقد نقل منه السيد ابن طاووس﵀ في **المهج** وغيره كثيراً، وكان تاريخ كتابة النسخة التي نقل منها الفاضل المجلسي سنة ست وسبعين وخمسمئة.

وكتاب **بشارة المصطفى** لشيعة المرتضى تأليف الشيخ الفقيه العماد محمّد بن أبي القاسم علي الطبري، وهو مما يعتمد قد روى عنه كثير من علمائنا، ومؤلفه من أفاخم المحدثين، وهو داخل في أكثر أسانيدنا إلى شيخ الطائفة، وهو يروي عن أبي علي بن شيخ الطائفة جميع كتبه ورواياته. وقال الشيخ منتجب الدين في **الفهرست**:

> الشيخ الإمام عماد الدين محمّد بن أبي القاسم الطبري، فقيه، ثقة، قرأ على الشيخ أبي علي الطوسي، وله تصانيف قرأ عليه قطب الدين الراوندي.[1]

وكتاب **معرفة الرجال** تأليف الشيخ الجليل الثقة محمّد بن عمر بن عبد العزيز الكشي، وكتاب **الفهرست** تأليف الشيخ الثقة أحمد بن علي بن أحمد النجاشي.

وكتاب **الزهد وأصل من أُصول** تأليفان للشيخ الثقة الحسين بن سعيد الأهوازي، ويظهر من بعض مواضع الكتاب الثانى أنه كتاب **النوادر** لأحمد بن محمّد بن عيسى القمي، وعلى التقديرين في غاية الاعتبار.

وكتاب **العيون والمحاسن** للشيخ علي بن محمّد الواسطي.

وكتاب **الزهد** وكتاب **المؤمن** الشيخ الثقة الحسين بن سعيد الأهوازي. له أيضا، ويظهر من بعض مواضع الكتاب الأوّل أنه كتاب **النوادر** لأحمد بن محمّد بن عيسى

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٣.

القمي، وعلى التقديرين في غاية الاعتبار، و كان في أوّله هكذا: «أحمد بن محمّد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد»، ثم يبتدئ في سائر الأبواب بمشايخ الحسين، وهذا مما يورث الظن بكونه منه، وأما كتاب **الزهد** فمعلوم الانتساب.

وكتاب **العيون والمحاسن** مؤلفه غير معلوم، ولكونه مقصوراً على الحكم والمواعظ لا يضرّنا جهالة المؤلف.

وكتاب **غرر الحكم ودرر الكلم** تأليف الشيخ عبد الواحد بن محمّد بن عبد الواحد الآمدي، و يظهر من كلام ابن شهر آشوب أن الآمدي كان من علمائنا وأجاز له رواية هذا الكتاب، وقال في **معالم العلماء**:

> عبد الواحد بن محمّد بن عبد الواحد الآمدي التميمي، له **غرر الحكم ودرر الكلم** يذكر فيه أمثال أمير المؤمنين عليه السلام وحكمه.[1]

وكتاب **المصباح** ـ المسمى **جنة الأمان الواقية** ـ وكتاب **البلد الأمين** وكتاب **صفوة الصفات في شرح دعاء السمات** /۱۲ ب/كل هذه تأليف الشيخ العالم الفاضل الكامل إبراهيم بن علي بن الحسن بن محمّد الكفعمي رحمه الله، شهرتها مغنية عن التعرّض لحالها.

وكتاب **قضاء حقوق المؤمنين** تأليف الشيخ سديد الدين أبي علي بن طاهر السوري، و هو كتاب جيد مشتمل على أخبار طريفة.

وكتاب **الأنوار المضيئة** وكتاب **السلطان المفرج عن أهل الإيمان** وكتاب **الدر النضيد في مغازي الإمام الشهيد**، كل هذه تأليف السيد النقيب الحسيب بهاء الدين علي بن عبد الكريم بن عبد الحميد الحسيني النجفي أُستاد الشيخ ابن فهد الحلي قدس الله روحهما. وكتابا **الأنوار** و **السلطان** مشتملان على أخبار غريبة في الرجعة وأحوال القائم (عج)، وكتاب **الدر النضيد** متضمن لذكر فضائل الأئمة وكيفية شهادة سيد الشهداء وأصحابه السعداء وذكر خروج المختار لطلب الثار وجمل أحواله، والسيد المذكور من أفاضل النقباء والنجباء، و كنت قد رأيت منه نسخة مصححة أيام مجاورتي للغري عند سيّدٍ عزيز هو من أولاد المؤلف، و أخذناه منه و طالعناه، و بالجملة هو كتاب عليه اعتمادي.

وكتاب **التمحيص** تأليف بعض قدمائنا، ويظهر بالقرائن الجلية أنه من تأليف الشيخ

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۴.

الثقة الجليل أبي علي محمّد بن همام، و متانة التأليف تدلّ على فضل مؤلفه، وإن كان مؤلفه أبا علي ـ كما هو الظاهر ـ ففضله و توثيقه مشهوران.

وكتاب **عدة الداعي** وكتاب **المهذب** وكتاب **التحصين** وسائر الرسائل وأجوبة المسائل، كل هذه تأليف الشيخ الزاهد العارف أحمد بن فهد الحلي، و لشهرة كلٍّ لم نحتج إلى البيان.

وكتاب **الجنة الواقية** قيل تأليف الكفعمي، و هو مما يعتمد عليه.

وكتاب **منهاج الصلاح في الدعوات وأعمال السنة**، وكتاب **كشف الحق ونهج الصدق**، وكتاب **اليقين في الإمامة**، وكتاب **منتهى المطلب**، وكتاب **تذكرة الفقهاء**، وكتاب **مختلف الشيعة**، وكتاب **منهاج الكرامة**، وكتاب **شرح التجريد**، وكتاب **شرح الياقوت**، وكتاب **إيضاح الاشتباه**، وكتاب **نهاية الأصول**، وكتاب **نهاية الكلام**، وكتاب **نهاية الفقه**، وكتاب **التحرير**، وكتاب **القواعد**، وكتاب **الألفين**، وكتاب **تلخيص المرام**، وكتاب **إيضاح مخالفة أهل السنة للكتاب والسنة**، و**الرسالة السعدية**، وكتاب **خلاصة الرجال**، وسائر المسائل والرسائل والإجازات، جميع هذه الكتب تأليف الشيخ العلامة جمال الدين حسن بن يوسف بن المطهر الحلي قدس الله روحه، و لا كلام في الوثوق بهذه الكتب.

وكتاب **العدد القوية لدفع المخاوف اليومية** تأليف الشيخ الفقيه رضي الدين علي بن يوسف بن المطهر الحلي، كتاب لطيف في أعمال أيام الشهور وسعدها ونحسها، ومؤلفه بالفضل معروف وفي الإجازات مذكور، وهو أخو العلامة الحلي قدّس الله سرهما.

/١٣ الف/ وكتاب **مثير الأحزان** وكتاب **شرح الثار المشتمل على أحوال المختار** تأليفان للشيخ الجليل جعفر بن محمّد بن نما، و هو من أجلّة مشايخنا، و كتبه معتمد عليها.

وكتاب **إيمان أبي طالب**عليه السلام تأليف السيد الفاضل السعيد شمس الدين فخار بن معد الموسوي قدس الله روحه، و كتابه أشهر من التوصيف.

وكتاب **الغرر و الدرر** تأليف السيد حيدر بن محمّد الحسيني ـ قدس الله روحه ـ مشتمل على أخبار جليلة مع شرحها، ومؤلفه من السادة الأفاضل، يروي عن ابن شهر آشوب وعلي بن سعيد بن هبة الله الراوندي و عبد الله بن جعفر الدوريستي وغيرهم

من الفضلاء الأخيار.

وكتاب **المزار الكبير** في الزيارات تأليف محمّد بن المشهدي كما يظهر من تأليفات السيد ابن طاووس، واعتمد عليه ومدحه، ويُعلم من كيفية إسناده أنه كتاب معتبر، وقد أخذ منه السيدان ابنا طاووس كثيرا من الأخبار والزيارات، وقال الشيخ منتجب الدين في **الفهرست**:

السيد أبو البركات محمّد بن إسماعيل المشهدي، فقيه، محدّث، ثقة، قرأ على الإمام محيي الدين الحسين بن المظفر الحمداني.[1]

وقال في ترجمة الحمداني: «أخبرنا بكتبه السيد أبو البركات المشهدي».

وكتاب **النصوص**، وكتاب **معدن الجواهر**، وكتاب **كنز الفوائد**، و**رسالة في تفضيل أمير المؤمنين**عليه السلام، كل هذه تأليف الشيخ المدقّق النبيل أبي الفتح محمّد بن علي بن عثمان الكراجكي، فهو من أجلّة العلماء والفقهاء والمتكلمين، وقال الشيخ منتجب الدين في **فهرسته**:

الشيخ العالم الثقة أبو الفتح محمّد بن علي الكراجكي، فقيه الأصحاب، قرأ على السيد المرتضى علم الهدى والشيخ الموفق أبي جعفر رحمهما الله، وله تصانيف، منها: كتاب **التعجب**، وكتاب **النوادر**، أخبرنا الوالد عن والده عنه، انتهى.[2]

ويظهر من الإجازات أنه كان أُستاد ابن البراج.

وكتاب **جواهر المطالب** تأليف بعض علماء غير معلوم الاسم، و هو كتاب جيّد أخذ أخباره من الكتب المعتبرة من الخاصة و العامة.

وكتاب **الفهرست** وكتاب **الأربعين عن الأربعين** تأليفان للشيخ منتجب الدين علي بن عبيد الله بن الحسن بن الحسين بن بابويه رضي الله عنهم، و هو من مشاهير الثقات والمحدثين، و**فهرسته** في غاية الشهرة، وهو من أولاد الحسين بن علي بن بابويه، والصدوق عمه الأعلى. وقال الشهيد الثاني في **كتاب الإجازة**:

وأجزت له أن يروي عني جميع ما رواه علي بن عبيد الله بن الحسن بن الحسين بن الحسن

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۵.
۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۵.

بن الحسين بن علي بن الحسين بن بابويه، وجميع ما اشتمل عليه كتاب **فهرسته** لأسماء العلماء المتأخرين عن الشيخ أبي جعفر الطوسي، وكان هذا الرجل حسن الضبط كثير الرواية عن مشائخ عديدة، إنتهى. و أربعينه مشتمل على أخبار غريبة لطيفة.[١]

وكتاب **تحفة الأبرار في مناقب الائمة الأطهار** تأليف السيد الشريف حسين بن مساعد الحسيني الحائري أُستاد الكفعمي، وأثنى عليه كثيراً في كتبه، و هو كتاب كثير الفوائد.

وكتاب **المناقب** تأليف الشيخ الجليل أبي الحسن محمّد بن أحمد بن علي بن الحسن بن شاذان القمي /١٣ ب/ أُستاد أبي الفتح الكراجكي، ويثني عليه كثيراً في **كنزه**، وذكره ابن شهر آشوب في **المعالم**.

وكتاب **الوصية** وكتاب **مروج الذهب** تأليفان للشيخ علي بن الحسين بن علي المسعودي، و عده النجاشي في **فهرسته** من رواة الشيعة وقال:

له كتب؛ منها: كتاب **إثبات الوصية لعلي بن أبي طالب**عليه السلام، وكتاب **مروج الذهب**. مات سنة ثلاث وثلاثين وثلاثمئة.[٢]

وكتاب **النوادر** وكتاب **أدعية السر** تأليفان للسيد الجليل فضل الله بن علي بن عبيد الله الحسيني الراوندي فهو من الأفاضل الكرام. قال الشيخ منتجب الدين في **الفهرست**:

علاّمة زمانه، جمع مع علوّ النسب كمال الفضل والحسب، وكان أُستاد أئمة عصره، وله تصانيف شاهدته وقرأت بعضها عليه، انتهى.[٣]

وأكثر أحاديث **نوادره** مأخوذ من كتب موسى بن إسماعيل بن موسى بن جعفر عليهم السلام الذي رواه سهل بن أحمد الديباجي، عن محمّد بن محمّد بن الأشعث، عنه.

وكتاب **الفضائل** وكتاب **إزاحة العلل في معرفة القبلة** تأليفان للشيخ الجليل أبي الفضل سديد الدين شاذان بن جبرئيل القمي نزيل مهبط وحي الله ودار هجرة رسول الله صلى الله عليه وآله؛ كذا ذكره أصحاب الإجازات، و هو من أجلّة الثقات الأفاضل، مدحه أصحاب الإجازات كثيراً. قال الشهيد رحمه الله في **الذكرى**:

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٥.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٦.
٣. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٦.

ذكر الشيخ أبو الفضل الشاذان بن جبرئيل القمي ـ وهو من أجلّاء فقهائنا ـ في كتاب **إزاحة العلة في معرفة القبلة**...[١]

ثم ذكر سطراً منه.

وكتاب **الصفين** تأليف نصر بن مزاحم، وهو كتاب معتبر أخرج منه الكليني و سائر المحدثين. وقال النجاشي:

نصر بن مزاحم المنقري العطار أبو المفضل كوفي مستقيم الطريقة صالح الأمر، غير أنه يروي عن الضعفاء، كتبه حسان؛ منها: كتاب **الجمل** وكتاب **الصفين**. وذكر أسانيده إلى الكتابين وسائر كتبه، وذكر الشيخ أيضاً في **الفهرست** سنده إلى كتبه.[٢]

وكتاب **الغارات** تأليف أبي إسحاق إبراهيم بن محمّد بن سعيد بن هلال الثقفي، و هو من مشاهير المحدثين، ذكره النجاشي والشيخ، وعدّا من كتبه كتاب **الغارات** ومدحاه وقالا: «إنه كان زيدياً ثم صار إمامياً»، و روى السيد ابن طاووس أحاديث كثيرة من كتبه، وعن بعض مشايخ مشايخنا أنه أخبره بعض أفاضل المحدثين أنه وجد منه نسخة صحيحة معربة قديمة كتبت قريباً من زمان المصنف، وعليها خط جماعة من الفضلاء، وأنه استكتبه منها فأخذنا منه نسخة، وهو موافق لما أخرج منه ابن أبي الحديد وغيره.

وكتاب **مقتضب الأثر في الأئمة الاثني عشر**عليهم السلام تأليف أحمد بن محمّد بن عياش، ذكره الشيخ والنجاشي في فهرستهما، وعدّا هذا الكتاب من كتبه ومدحاه بكثرة الرواية، لكن نسب إليه أنه خلط في آخر عمره، وذكره ابن شهر آشوب وعدّ مؤلفاته ولم يقدح فيه بشيء. وبالجملة كتابه من الأُصول المعتبرة عند الشيعة، كما يظهر من التتبع.

وكتاب **مسالك الأفهام**، وكتاب **الروضة البهية**، وكتاب **شرح الألفية**، وكتاب **شرح النفلية**، وكتاب **غاية المراد** /١٤ الف/، وكتاب **منية المريد**، وكتاب **أسرار الصلاة**، ورسالة **وجوب صلاة الجمعة**، ورسالة **أعمال يوم الجمعة**، وكتاب **مسكن الفؤاد**، ورسالة **الغيبة**، وكتاب **تمهيد القواعد**، وكتاب **الدراية** وشرحها، وسائر الرسائل المتفرقة، كل هذه تأليفات الشهيد الثاني ـ رفع

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٦.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٦.

الله درجته ـ.

وكتاب **المعتبر**، وكتاب **الشرائع**، وكتاب **النافع**، وكتاب **نكت النهاية**، وكتاب **الأصول** وغيرها، كلها تأليف المحقق السعيد نجم الملة والدين أبي القاسم جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد رحمه الله و طاب ثراه.

وكتاب **شرح نهج البلاغة** وكتاب **الاستغاثة في بدع الثلاثة** تأليفان للحكيم المدقق العلامة كمال الدين ميثم بن علي بن ميثم البحراني.

وكتاب **التفسير** تأليف الشيخ فرات بن إبراهيم الكوفي وإن لم يتعرض الأصحاب لمؤلفه بمدح ولا ذم، لكن كون أخباره موافقة لما وصل إلينا من الأحاديث المعتبرة وحسن الضبط في نقلها مما يعطي الوثوق بمؤلفه وحسن الظن به، وقد روى الصدوق﵀ عنه أخباراً بتوسط الحسن بن محمّد بن سعيد الهاشمي. وروى عنه الحاكم أبو القاسم الحسكاني في **شواهد التنزيل** وغيره.

وكتاب **الأخبار المسلسلة**، وكتاب **الأعمال المانعة من الجنة**، وكتاب **العروس**، وكتاب **الغايات**، كلها تأليف الشيخ النبيل أبي محمّد جعفر بن أحمد بن علي القمي نزيل الري ـ رحمة الله عليه ـ بعضها في المناقب وبعضها في الآداب و الأخلاق، والأحكام فيها نادرة، ومؤلفها غير مذكور في كتب الرجال، لكنه من القدماء قريباً من عصر المفيد أو في عصره، يروي عن الصفواني راوي الكليني بواسطة، وفيها أخبار طريفة غريبة، والسيد ابن طاووس يروي عن كتبه في كتاب **الإقبال** و غيره، وهذا مما يؤيد الوثوق عليها، وروى عن بعض كتبه الشهيد الثاني﵀ في **شرح الإرشاد** في فضل صلاة الجماعة، وغيره من الأفاضل أيضاً.

وكتاب **نزهة الناظر في الجمع بين الأشباه والنظائر**، وكتاب **جامع الشرائع** تأليفان للشيخ الأفضل نجيب الدين يحيى بن سعيد، و هو ابن عم المحقق صاحب **الشرائع** من مشاهير العلماء المدققين، وأقواله متداولة بين المتأخرين.

وكتاب **الوسيلة** تأليف الشيخ الفاضل محمّد بن علي بن حمزة، وهو مشهور معروف و كذا كتابه، وأقواله متداولة بين المتأخرين، وقال الشيخ منتجب الدين:

الشيخ الإمام عماد الدين أبو جعفر محمّد بن علي بن حمزة الطوسي المشهدي، فقيه، عالم،

واعظ، له تصانيف؛ منها: **الوسيلة**.[1]

وكتاب **منتقى الجمان**، وكتاب **معالم الدين**، ورسالة **الإجازات** وغيرها تأليفات الشيخ المحقق حسن بن الشهيد الثاني، وكتبه أشهر منه، و الوثوق بها ظاهر البيان.

وكتاب **مدارك الأحكام**، وكتاب **شرح النافع** وغيرهما تأليفان للشيخ الثقة سيد المدققين السيد محمّد بن أبي الحسن العاملي.

وكتاب **مشرق الشمسين** /۱۵ الف/ وكتاب **الأربعين** وكتاب **مفتاح الفلاح** وكتاب **الحبل المتين** و كتاب **الكشكول** كلها من تأليفات الشيخ الجليل بهاء الملة والدين محمّد بن الحسين العاملي قدس الله روحه.

وكتاب **الفوائد المكية** وكتاب **الفوائد المدنية** تأليف رئيس المحدثين مولانا محمّد أمين الإسترآبادي﵀ و الكتابان معروفان متداولان.

وكتاب **الاختيار** تأليف السيد علي بن الحسين بن الباقي﵀ في نهاية الفضل والكمال، لكن أكثر كتابه مأخوذ عن **مصباح الشيخ**﵀.

وكتاب **تقريب المعارف** في الكلام، وكتاب **الكافي في الفقه** تأليفان للشيخ الأكرم الأجل أبي الصلاح تقي الدين بن نجم الحلبي، وكتاب **التقريب** كتاب جيّد في الكلام وفيه أخبار طريفة، وشأن مؤلفه أعظم من أن يفتقر إلى البيان.

وكتاب **المهذب**، وكتاب **الكامل**، وكتاب **جواهر الفقه** تأليفات للشيخ الحسن المنهاج عبد العزيز بن البراج و هو لا يحتاج إلى التوصيف و التوثيق.

وكتاب **المراسم العلية** وغيره تأليف الشيخ العالم الرفيع السميّ سلار بن عبد العزيز الديلمي.

وكتاب **دعائم الإسلام** تأليف القاضي النعمان بن محمّد، وتوهّم بعض المتأخرين الأصحاب أنه تأليف الصدوق وهو خطأ، وقد ظهر لنا من القرائن الجلية أنه تأليف أبي حنيفة النعمان بن محمّد بن منصور قاضي مصر في أيام الدولة الإسماعيلية، وكان مالكياً أوّلاً ثم اهتدى وصار إمامياً، و قد كان الفاضل المجلسي أيضاً في أوائل حاله

---

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۳۸.

يعتقد كون الكتاب للصدوق، ثم رجع عنه و ظنَّ أنّه تأليف عبد الحميد الحسنى ثم رجع عن هذا أيضاً فاستقرّ ظنه على كونه تأليف أبي حنيفة النعمان المذكور؛ لما ظهر حقيقة ما ذكرناه له ﷺ. وأخبار هذا الكتاب أكثرها موافقة لما في كتبنا المشهورة، لكن لم يرو عن الأئمة بعد الصادق عليه السلام خوفاً من الخلفاء الإسماعيلية، وتحت سر التقية أظهر الحق لمن نظر فيه متعمقاً، وأخباره تصلح للتأييد والتأكيد. قال ابن خلكان:

هو أحد الفضلاء المشار إليهم؛ ذكره الأمير المختار المسيحي في تاريخه فقال: كان من العلم والفقه والدين والنبل على ما لا مزيد عليه، وله عدة تصانيف؛ منها: كتاب **اختلاف أصول المذاهب** وغيره، انتهى.[١]

وقال ابن زولاق في ترجمة ولده علي بن النعمان:

كان أبوه النعمان بن محمّد القاضي في غاية الفضل، من أهل القرآن والعلم بمعانيه، وعالماً بوجوه الفقه، وعلم اختلاف الفقهاء واللغة والشرع والشعر والمعرفة بأيام الناس مع عقل وإنصاف.

وألّف لأهل البيت ـ صلوات الله عليه ـ من الكتب آلاف أوراق بأحسن تأليف وأملح سجع، وعمل في المناقب والمثالب كتاباً حسنا، وله ردود على المخالفين؛ له رد على أبي حنيفة وعلى مالك والشافعي وعلي بن شريح، وكتاب اختلاف ينتصر فيه لأهل البيت صلوات الله عليهم.[٢]

ثم ذكر كثيراً من فضائله وأحواله، ونحوه ذكر اليافعي وغيره، وقال ابن شهر آشوب في كتاب **معالم العلماء**:

القاضي النعمان بن محمّد ليس بإمامي، وكتبه حسان، منها **شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، ذكر المناقب /١٥ الف/ إلى الصادق عليه السلام، الاتفاق والافتراق، المناقب والمثالب، الإمامة، أصول المذاهب، الدولة، الإيضاح**. إنتهى.[٣]

وكتاب **المناقب والمثالب** تأليف القاضي المذكور.

وكتاب **الهداية في تاريخ الأئمة ومعجزاتهم عليهم السلام** تأليف الشيخ الحسين بن حمدان

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٨.
٢. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٩.
٣. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٩.

الحضيني، و هو مشتمل على أخبار كثيرة في الفضائل، لكن غمز عليه بعض أصحاب الرجال.

وكتاب **تاريخ الائمة** تأليف الشيخ عبد الله بن أحمد الخشاب، والكتاب مشهور أخرج منه صاحب **كشف الغمة**، وأخباره معتبرة، وهو كتاب صغير مقصور على ولادتهم ووفاتهم وعدد أعمارهم عليهم السلام.

وكتاب **البرهان في النص على أمير المؤمنين** عليه السلام تأليف الشيخ أبي الحسن علي بن محمّد الشمشاطي، كتاب متين فيه أخبار غريبة، ومؤلفه من مشاهير الفضلاء، قال النجاشي:

> علي بن محمّد العدوي الشمشاطي كان شيخاً بالحويزة وفاضل أهل زمانهم وأديبهم، ثم ذكر له تصانيف كثيرة، وعدّ منها هذا الكتاب.[1]

و**رسالة أبي غالب** أحمد بن محمّد الزراري رحمه الله رسالة إلى ولد ولده محمّد بن عبد الله بن أحمد مشتمل على أحوال زرارة بن أعين وإخوانه وأولادهم و أحفادهم وأسانيدهم وكتبهم ورواياتهم، وفيه فوائد جمة. وهذا الرجل أعني أحمد بن محمّد بن سليمان بن الحسن بن الجهم بن بكير بن أعين بن سنسن الملقب بأبي غالب الزراري كان من أفاضل الثقات والمحدثين، وكان أُستاد الأفاضل الأعلام: كالشيخ المفيد وابن الغضائري وابن عبدون قدس الله أسرارهم. و عدّ النجاشي وغيره هذه الرسالة من كتبه.

وكتاب **دلائل الإمامة** تأليف الشيخ الجليل محمّد بن جرير الطبري الإمامي، من الكتب المشهورة المعروفة المعتبرة، أخذ منه جُلُّ مَن تأخّر عنه كالسيد ابن طاووس وغيره، ووجد الفاضل المجلسي منه نسخة قديمة مصححة في خزانة كتب مولانا أمير المؤمنين عليه السلام، لكنه من أحوال فاطمة إلى آخر الأئمة، و مؤلفه من ثقات رواتنا الإمامية، وليس هو ابن جرير التاريخي المخالف. قال النجاشي رحمه الله:

> محمّد بن جرير بن رستم الطبري الآملي أبو جعفر جليل من أصحابنا، كثير العلم، حسن الكلام، ثقة في الحديث، له كتاب **المسترشد في دلائل الإمامة**، أخبرنا أحمد بن علي بن نوح، عن الحسن بن حمزة الطبري قال: حدثنا محمّد بن جرير بن رستم بهذا الكتاب وبسائر كتبه.

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٣٩.

وقال الشيخ في الفهرست:

محمّد بن جرير بن رستم الطبري الكبير، يكنى أبا جعفر، ديّن، فاضل، وليس هو صاحب التاريخ فإنه عامي المذهب، وله كتب جمة؛ منها: كتاب المسترشد.[١]

وكتاب مصباح الأنوار في مناقب إمام الأبرار للشيخ هاشم بن محمّد، وقد ينسب إلى شيخ الطائفة وهو خطأ. وكثيراً ما يروي عن الشيخ شاذان بن /١٥ ب/ جبرئيل القمي وهو متأخر عن الشيخ بمراتب. والكتاب مشتمل على غرر الأخبار، ويظهر من الكتاب أن مؤلفه من الأفاضل الكبار، ويروي من الأُصول المعتبرة من الخاصة والعامة.

وكتاب الدر النظيم في مناقب الأئمة اللهاميم، وكتاب الأربعين عن الأربعين تأليفات للشيخ جمال الدين يوسف بن حاتم الفقيه الشامي، وكتاب الدر النظيم كتاب شريف كريم مشتمل على أخبار كثيرة من طرقنا و طرق المخالفين في المناقب، وقد ينقل من كتاب مدينة العلم وغيره من الكتب المعتبرة، وكان معاصراً للسيد علي بن طاووس رحمه الله. وكتاب الأربعين، أخذ منه أكثر العلماء.

وكتاب مقتل الحسين ـ صلوات الله عليه ـ المسمى بتسلية المجالس وزينة المجالس تأليف السيد النجيب العالم محمّد بن أبي طالب الحسيني الحائري وهو من سادة الأفاضل المتأخرين، وهو كتاب كبير مشتمل على أخبار كثيرة غريبة.

وكتاب صفوة الأخبار لبعض العلماء الأخيار مشتمل على أخبار غريبة في المناقب.

وكتاب رياض الجنان تأليف الشيخ فضل الله بن محمود الفارسي، و هو أيضاً مشتمل على أخبار غريبة في المناقب.

وكتاب غنية النزوع في علمي الأُصول والفروع تأليف السيد العالم الكامل أبي المكارم حمزة بن علي بن زهرة الحسيني.

وكتاب التجريد وكتاب الفصول تأليفان لأفضل الحكماء المتألهين نصير الملة والحق والدين.

وكتاب كنز الفوائد في حل مشكلات القواعد، وكتاب تبصرة الطالبين في شرح نهج المسترشدين

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٤٥.

تأليفان للشيخ الجليل السيد عميد الدين عبد المطلب من مشاهير العلماء، وأثنى عليه أرباب الإجازات، وكتبه معروفة.

وكتاب **كنز العرفان** وكتاب **الأدعية الثلاثين** تأليفان للشيخ المحقق أبي عبد الله المقداد بن عبد الله السيوري من أجلة الفقهاء، وتصانيفه مشهورة جداً.

وكتاب **الإيضاح** تأليف فخر المحققين ابن العلامة الحلي أدقّ الفقهاء المتأخرين، وكتبه معروفة متداولة.

وكتاب **أضواء الدرر الغوالي لإيضاح غصب فدك والعوالي** تأليف بعض الأعلام محتوٍ على فوائد كثيرة.

وكتاب **شرح القواعد** و رسالة **قاطعة اللجاج في تحقيق حل الخراج** وكتاب **أسرار اللاهوت في وجوب لعن الجبت والطاغوت** كلها تأليف الشيخ المروّج لمذهب الأئمة الطاهرين نور الدين علي بن عبد العالي الكركي أجزل الله تشريفه، وتصانيفه في غاية المتانة.

وكتاب **إحقاق الحق**، وكتاب **مصائب النواصب**، وكتاب **الصوارم المهرقة في دفع الصواعق المحرقة** وغيرها كلها تأليف السيد الأجل الشهيد القاضي نور الله التستري ـ رفع الله درجته ـ حيث بذل الجهد في نصرة الدين المبين ودفع شبه المخالفين، وكتبه معروفة مشهورة متداولة بين الناس.

وكتاب **الرجال** تأليف الشيخ الفقيه تقي الدين الحسن بن علي بن داوود الحلي رحمه الله في غاية الشهرة /١٦ الف/ بين المتأخرين، وبالغوا في مدحه و توثيقه في الإجازات.

وكتاب **رجال الغضائري** تأليف الشيخ أبي عبد الله الحسين بن عبيد الله الغضائري، كذا ذكره الشهيد الثاني، ويظهر من رجال السيد ابن طاووس ـ على ما نَقَل عنه شيخنا الأجل مولانا عبد الله التستري، أن صاحب هذا الرجال أحمد بن الحسين بن عبيد الله. و بالجملة فمؤلفه إن كان الحسين فهو من أجلة الثقات، وإن كان أحمد ـ كما هو الظاهر ـ فلا أعتماد عليه كثيراً، والإنصاف أن الاعتماد عليه يوجب رد أكثر أخبار الكتب المشهورة.

وكتاب **الملحمة** منسوب إلى سيدنا ومولانا أبي عبدالله جعفر بن محمّد الصادق ـ صلوات الله عليه و على آبائه و أولاده ـ كذا اشتهر و لكنه لم يثبت فلا اعتماد عليه.

و أيضاً كتاب **الملحمة** منسوب إلى دانيال ـ عليه و على نبينا السلام ـ و لم يثبت أيضاً كالسابق.

وكتاب **سرور أهل الإيمان** تأليف بعض الأجلة الكرام مشتمل على غريب الأخبار.

وكتاب **الأنوار في مولد النبي** ﷺ وكتاب **مقتل أمير المؤمنين** عليه السلام وكتاب **وفاة فاطمة** عليها السلام كلها تأليف الشيخ الجليل أبي الحسن البكري أُستاد الشهيد الثاني رحمه الله وقد أثنى بعض أصحاب الشهيد الثاني على مؤلفه، وعدّه من مشايخه. ومضامين أخباره موافقة للأخبار المعتبرة المنقولة بالأسانيد الصحيحة، وكان مشهوراً بين علمائنا يتلونه في شهر ربيع الأوّل في المجالس والمجامع إلى يوم المولد الشريف. وكذا الكتابان الآخران معتبران.

وكتاب **بلاغات النساء** تأليف أبي الفضل أحمد بن طاهر، مشتمل على خطبة فاطمة عليها السلام وخطب نساء أهل البيت ـ صلوات الله عليهم السلام ـ في كربلاء، ومؤلفه معتبر بين الفريقين.

وكتاب **منهج المقال في تحقيق أحوال الرجال** المشتهر بالكبير والوسيط والصغير وكتاب **تفسير آيات الأحكام** كلها تأليف السيد الأجل الأفضل ميرزا محمّد بن علي بن إبراهيم الإسترآبادي من أجلة النجباء الأفاضل والأتقياء الأماثل، وجاور بيت الله الحرام إلى أن مضى إلى رحمة الله، وكتبه في غاية المتانة والسداد.

وكتاب **الديوان** المنسوب إلى سيدنا أمير المؤمنين عليه السلام انتسابه إليه عليه السلام مشهور، وكثير من الأشعار المذكورة فيها مروية في سائر الكتب، ويشكل الحكم بصحة جميعها، ويستفاد من **معالم ابن شهر آشوب** أنه تأليف علي بن أحمد الأديب النيسابوري من علمائنا، والنجاشي عد من كتب عبد العزيز بن يحيى الجلودي **كتاب شعر علي** عليه السلام.

وكتاب **شهاب الأخبار** من كلمات النبي وحكمه، وأكثر فقراته مذكورة في الخطب والأخبار المروية من كتبنا، ولذا اعتمد عليه علماؤنا، وتصدّوا لشرحه، وقال الشيخ منتجب الدين:

> السيد /١٦ب/ فخر الدين شميلة بن محمّد بن أبي هاشم الحسيني، عالم، صالح، روى لنا كتاب **الشهاب** للقاضي أبي عبد الله محمّد بن سلامة بن جعفر القضاعي عنه.[١]

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٤١.

وكتاب **شرح شهاب الأخبار** وكتاب **التفسير الكبير** تأليفان للمحقق النحرير الشيخ أبي الفتوح الرازي، وهو في الفضل مشهور، وكتبه معروفة متداولة.

وكتاب **الأنوار البدرية في رد شبه القدرية** تأليف الفاضل المهلبي، و الكتاب مشتمل على بعض الفوائد الجلية الجليلة.

وكتاب **تاريخ بلدة قم** تأليف الشيخ الجليل حسن بن محمّد بن الحسن القمي رحمه الله كتاب معتبر.

و**أجوبة مسائل عبد الله بن سلام** مشتمل على فوائد جمة.

وكتاب **طب النبي** صلى الله عليه وآله تأليف الشيخ أبي العباس المستغفري، وإن كان أكثر أخباره من طرق المخالفين لكنه مشهور متداول بين علمائنا. قال نصير الملة والدين الطوسي في كتاب **آداب المتعلمين**:

> ولابد من أن يتعلم شيئاً من الطب ويتبرك بالآثار الواردة في الطب الذي جمعه الشيخ الإمام أبو العباس المستغفري في كتابه المسمى بـ**طب النبي** صلى الله عليه وآله.[1]

وكتاب **شرح الإرشاد**، وكتاب **تفسير آيات الأحكام**، و**حاشية شرح إلهيات التجريد**، و كتاب **حديقة الشيعة** وغيرها كل هذه تأليف أفضل العلماء المتورعين مولانا أحمد بن محمّد الأردبيلي ـ قدس الله سره ـ قد بلغ الغاية القصوى في الورع والتقوى والزهد والفضل، ولم يسمع بمثله في المتقدمين والمتأخرين، و تُوُهّم أن كتاب **الحديقة** تأليف غيره و الباب الذي فيه الرد على الصوفية من وضع الغير، و لا شك أنه عمل أحمد الأردبيلي و لا وضع فيه من واضع قط.

وكتاب **العين** تأليف الشيخ النبيل الخليل بن أحمد النحوي، وهو النحوي المشهور، كان من الإمامية، وكان عالماً في اللغة والعروض والعربية.

وكتاب **المحيط** في اللغة للصاحب بن عبّاد، كان من الإمامية، وهو الذي صدّر الصدوق **عيون أخبار الرضا** عليه السلام باسمه.

وكتاب **شواهد التنزيل** تأليف الحاكم أبي القاسم عبيد الله بن عبد الله الحسكاني، ذكره ابن شهر آشوب في **المعالم**، ونسب إليه هذا الكتاب، ووصفه بالحسن، وهو كتاب

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٤٢.

جيّد مشتمل على بيان نزول الآيات في أهل البيت عليهم السلام وكثيراً ما يذكر عنه الطبرسي وغيره من الأعلام.

وكتاب **مقصد الراغب الطالب في فضائل علي بن أبي طالب** عليه السلام تأليف الشيخ الحسين بن محمّد بن الحسن، وزمانه قريب من عصر الصدوق، ويروي كثيراً من الأخبار عن إبراهيم بن علي بن إبراهيم بن هاشم، والكتاب مشتمل على أخبار غريبة وأحكام نادرة نذكر منها تأييداً وتأكيداً.

وكتاب **عمدة الطالب في نسب آل أبي طالب** أشهر الكتب /١٧ الف/ وأوثقها في النسب.

وكتاب **زيد النرسي**، والنرسي من أصحاب الأُصول، روى عن الصادق والكاظم عليهما السلام، وذكر النجاشي سنده إلى ابن أبي عمير عنه، والشيخ في **التهذيب** وغيره يروي من كتابه، وهو وإن لم يوثّقه أصحاب الرجال لكن أخذُ الشيخ من كتابه ورواية ابن أبي عمير عنهما يدلاّن على جلالته، و النسخة التي كانت عند المجلسي ذكر في أوله سنداً آخر هكذا:

حدثنا الشيخ أبو محمّد هارون بن موسى التلعكبري، قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن محمّد بن سعيد الهمداني، قال: حدثنا جعفر بن عبد الله العلوي أبو عبد الله المحمّدي، قال: حدثنا محمّد بن أبي عمير عن زيد النرسي. انتهى.[١]

وكتاب الشيخ الأجل جعفر بن محمّد الدوريستي مؤلفه من تلامذة المفيد و المرتضى وثّقه ابن داوود و العلامة و الشيخ منتجب الدين و غيرهم.

وكتاب **الكر والفر** للشيخ أبي سهل البغدادي مشهور مشتمل على أجوبة شريفة.

و أما الكتب التي نقل عنها الأصحاب و نقلنا نحن بوساطتهم فلانحتاج إلى شرحها و توثيقها، و شهادة الأصحاب و نقلهم عنها كافية في الاعتماد و الركون إليها.

و أما الكتب العامة التي أشرنا إلى بعضها فواضح الأحوال لانحتاج إلى شرحٍ، مع أنا إنما رجعنا إليه أحياناً و نقلنا عنها للرد عليهم و لتوضيح مورد التقية و لتقوية و تأييد و تقويم و تأكيد.

و أما ذكر أسانيد هذا الكتاب فتفصيله و تحقيقه و شرحه و كشفه إنما يجيء في آخر الكتب كتاباً مدوناً مشتملاً عليه إن شاء الله تعالى.

---

١. بحار الأنوار، ج ١، ص ٤٣.

[القسم الثالث من المقدمة : فهرس المطالب]

و أما تفصيل ما اشتمل عليه كتابنا هذا من الكتب فهو هذا:

[الكتب الفروعية]

كتاب الطهارة؛ كتاب الصلاة؛ كتاب الزكاة؛ كتاب الخمس؛ كتاب الصيام؛ كتاب الاعتكاف؛ كتاب الحج؛ كتاب الجهاد؛ كتاب الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر؛ كتاب القرآن و الدعاء و الزيارات؛ كتاب التجارة؛ كتاب الرهن؛ كتاب الحجر؛ كتاب الضمان؛ كتاب الصلح؛ كتاب الشركة؛ كتاب المضاربة؛ كتاب المزارعة و المساقاة؛ كتاب الوديعة؛ كتاب العارية؛ كتاب الإجازة؛ كتاب الوكالة؛ كتاب الوقوف و الصدقات؛ كتاب السكنى و الحبس؛ كتاب الهبات؛ كتاب السبق و الرماية؛ كتاب الوصايا؛ كتاب النكاح؛ كتاب الطلاق؛ كتاب الخلع و المباراة؛ كتاب الظهار؛ كتاب الإيلاء و الكفارات؛ كتاب اللعان؛ كتاب العتق؛ كتاب التدبير و المكاتبة و الاستيلاد؛ كتاب الجعالة؛ كتاب الأيمان؛ كتاب النذر والعهد؛ كتاب الصيد و الذبائح؛ كتاب الأطعمة و الأشربة؛ كتاب الغصب؛ كتاب الشفعة؛ كتاب احياء الموات؛ كتاب اللقطة؛ كتاب الفرائض و المواريث؛ كتاب القضا؛ كتاب الشهادات؛ كتاب الحدود؛ كتاب القصاص؛ كتاب الديات. هذه هي الكتب الفروعية.

و أما **الكتب الأُصولية** هذه:

كتاب العقل و العلم و الجهل؛

كتاب التوحيد و العدل و المعاد؛

كتاب الاحتجاجات و المناظرات و جوامع العلوم؛

كتاب قصص الأنبياء؛

كتاب تاريخ نبينا ﷺ و أحواله؛

كتاب الإمامة و فيه جوامع أحوالهم؛

كتاب الفتن، و فيه ما جرىٰ بعد النبي ﷺ من غصب الخلافة و غزوات

أمير المؤمنين عليه السلام ؛

كتاب تاريخ أمير المؤمنين و فضائله و أحواله ؛

كتاب تاريخ فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام و فضائلهم و معجزاتهم ؛

كتاب تاريخ علي بن الحسين و محمّد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر الكاظم عليهم السلام و فضائله و معجزاتهم ؛

كتاب تاريخ علي بن موسى الرضا و محمّد بن علي الجواد و علي بن محمّد الهادي و الحسن بن علي العسكري عليهم السلام و أحوالهم و معجزاتهم ؛

كتاب الغيبة و أحوال الحجة القائم صلوات الله عليه ؛

كتاب السماء و العالم، و فيه أحوال العرش و الكرسي و الأفلاك و العناصر و المواليد و الملائكة و الجن و الإنس و الوحوش و الطيور و غيرها ؛

كتاب الإيمان و الكفر و مكارم الأخلاق ؛

كتاب الآداب و السنن و الأوامر و النواهي و الكبائر و الصغائر ؛

كتاب الروضة، و فيه و الحكم و الخطب.

الحمد لله أوّلاً و آخراً ظاهراً و باطناً /٢٠ب/.

[مجلدات الكتاب] [المجلد الأوّل (كتاب الطهارة)]

أوّله: حمداً لک اللهم يا من اسمه شفاء، وشكراً لک يا من ذكره دواء، و صلّ اللهم على حبيبک محمّد المصطفى... أما بعد الحمد و الصلاة فيقول أعصى شيعة المرتضى محمّد بن عبد المطلب ...كتاب الطهارة و هو المجلد الأوّل من كتاب **الشفاء في أخبار آل المصطفى** تأليف محمّد بن عبدالمطلب التبريزى المدعو بالرضا ـ عفى الله عنهما في يوم اللقا و جزاهما أحسن الجزاء ـ... أبواب المياه، الباب الأول في طهارة الماء و طهوريته و حكم القليل منه و الكثير و حدّ الكثرة و ما يناسب ذلک، **قرب الإسناد**.

آخره: هذا آخر ما أردنا جمعه و تأليفه من كتاب الطهارة و التزين من كتاب **الشفا**، و يتلوه كتاب الصلاة، و وقع الفراغ منه يوم الجمعة خامس شهر جمادى الآخر من شهور سنة ألف و مئة و ثمانية و سبعين من الهجرة في بقعة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب بيد مؤلفه المحتاج محمّد رضا بن عبد المطلب التبريزي مستقبلاً للقبلة و الضريح

المقدس ـ على صاحبه سلامي و سلام آبائي إلى يوم الدين ـ. اللهم اجعله خالصاً لوجهک الكريم، ينتفع منه عبادك الصالحون.

[المجلد الثاني (الجزء الأوّل من كتاب الصّلاة)]

آخره: هذا آخر ما أردنا تأليفه من المجلّد الثّاني من مجلّدات كتاب **الشّفا في أخبار آل مصطفى**، و هو جزء الأوّل من كتاب الصّلاة، و اتفق الفراغ من تأليفه يوم الجمعة ثالث شهر رجب من شهور سنة ألف و مئة و ثمان و سبعين، و كان ذلک في الروضة الشّريفة العلويّة مواجهاً للقبر المنوّر، و الضّريح المطهّر مع استقبال القبلة، و أرجو من صاحب المرقد الشّريف و هو أميرالمؤمنين حقّاً و صدقاً أن يجعله خالصاً له، إذ هو وجه الله. و حرّر هذه النّسخة مؤلّفها المسكين محمّد رضا بن عبدالمطلب التبريزي عفي عنهما.

[المجلد الثالث (الجزء الثاني من كتاب الصّلاة)]

أوّله: ابن محبوب عن عبدالله بن سنان قال سمعت الصادق عليه السلام يقول ثلاثة هنّ فخر المؤمن و زينته في الدنيا و الآخرة: **الصلاة في آخر الليل، و يأسه عمّا في أيدي الناس، و ولاية الإمام من آل محمّد** صلى الله عليه و آله.. آخره.

هذا آخر ما أردنا تحريره و تأليفه من النصف الثاني من المجلد الثالث من كتاب **الشفا في أخبار آل المصطفى**، و اتفق الفراغ منه في يوم الجمعة الرابع و العشرين من شهر شعبان من شهور سنة ألف و مئة و ثمانية و سبعين في النجف الأشرف الأزكى داخل الروضة المنورة مواجهاً للضريح المقدس مستقبلاً للقبلة، و حرّره بيده مؤلفه محمّد رضا بن عبدالمطلب التبريزي وفّقه الله لما يحبّ و يرضى، اللهم اجعله خالصاً لوجهک الكريم.

[المجلد الثامن (كتاب التجارة إلى آخر الوصايا)]

أوّله: بسم الله الرّحمن الرّحيم، نحمدك اللّهمّ يا من اسمه شفاء، و نشكرك اللّهمّ يا من ذكره دواء.

وآخره:... وكتب هذه النّسخة بيده الجانية مؤلّفه المحتاج محمّد بن عبدالمطّلب المدعوّ بالرّضا وفّقه الله لما يحبّ و يرضى، و كان سنة الفراغ من التأليف ألفاً و مئة و ثمانية و سبعين، و الحمد لله على ذلک، و الشّكر له إلى يوم الدّين.

[المجلد التاسع (كتاب النكاح و الطلاق)]

أوّله: نحمدك يا من اسمه شفاء و ذكره دواء... و بعد هذا هو المجلد التاسع من مجلدات كتاب **الشفا في أخبار آل المصطفى** تصنيف أعصى شيعة المرتضى محمّد بن عبد المطلب المدعو بالرضا ـ وفّقه الله لما يحب و يرضى ـ و هو مشتمل على كتابي النكاح و الطلاق، جعله الله تعالى من الكتب التي ينتفع بها المؤمنون. كتاب النكاح و هو مشتمل على أبواب؛ الباب الأوّل في فضل النكاح و كراهة العزوبة و ما يناسب الباب، **معاني الأخبار في الصحيح** ..

و آخره: و هذا آخر ما أردنا جمعه و تأليفه من المجلد التاسع من مجلدات كتاب **الشفا في أخبار آل المصطفى**، و اتفق الفراغ من التأليف تحت قبة الرضوية المنورة العلوية أيام المجاورة بالمشهد الغروي المعروف بالنجف الأشرف مواجهاً للضريح المقدس مستقبلاً للقبلة و من شرف به القبلة و كان ذلک في أشرف الأيام من الأسبوع و هو يوم الجمعة خامس شهر ذي القعدة من شهور سنة ألف و مئة و ثمانية و سبعين، و كتب بيده الجانية مؤلفه محمّد رضا بن عبد المطلب التبريزي، وفقه الله لما يحب و يرضى، و جعله خالصاً لوجهه الكريم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين